

توجه اولیای امور دولتی به طرفین معلوف میداشت
اینکه که بجز رسیده بین روسای فارس نیز آشتی
شبه حقیقت در صورت صدق مشکلات دولت و
و در صورت می بینم - اولیای امور راست
چهار ایات، صبح با اردوئی منظم که قادر بر
رفع انقلابات فارس باشد گسیل دارند و نگذارند
که جنوهم صورت شمال را کسب نماید ای شیرازیان
کم خرید آخر تاکی سنگ روی بخ ارباب اغراض
خواهد گردید - بصاحب شریعت مطهره سوگند
اشخاصیکه باسم شریعت و دیانت دارند قشون کفر
را بدین مملکت اسلامی دعوت می نمایند از دین و آئین
جهنم بدارند - صاحب شریعت مطهره و امام عصر
(عج) از آنها بزارند - آیا صدقاتیکه در مدت
حفت ساله انقلاب فارس از این وجود های میثوم
جیده اید شما را متنبه نکرده؟ آیا از سایر هموطنان
خود که در راه شریعت و مشروطیت جانها باخته
و مالها داده شرمند و سر افکنده نمی شوید؟
آیا از نام زشتی که از خودتان در تاریخ یادگار
چنگذارید و اخلاق خویش را در اتبای نوع خوار
زوب می نماید شرم نمی کنید؟ آیا نمیدانید که
این شیخ فضل الله ها و امیر بهادرها و موقر السلطنه
ها جز میکیدن خون شما مانند زانو تصویری ندارند،
آیا نمی ترسید از قهر الهی؟ ای شیخ فضل الله ها
و رحیم خانها؟ آیا عبرت نمی گیرید از شیخ فضل الله
و رحیم خان شوم؟ اپکاش شما در شیراز و دید
و چنین نسکی بروی ایران نگذارید

مکتوب بندر عباس

(قابل توجه اولیای امور و وزارت و تلگراف و پست)
اطمینان اهالی از تلگرافخانه ایرانی برداشته شده
زیرا که آنچه مخبرات می نمایند حق حکام و ملازمین
هولت تمام با سیم انگلیسی میشود، و بول آن بکیسه
خلرجه میرود، گویا بکلی نظر توجه وزارت تلگراف
باغطلب مهم نیست که بواسطه کشف مطالب و رسیدن
تلگرافات به محل مقصود ملت مجبور می شود اسرار
خود را با سیم انگلیسی مخبره نمایند، آنچه مبرهن
است در مسئله واقعه بندر عباس از شب غرض
ربیع الاول الی پنجم چهار فقره تلگراف واقعه بندر
عباس با سیم ایرانی مخبره به طهران شد، معلوم
میشود هیچ کدام نرسیده جز یک تلگراف اهالی
که با سیم انگلیسی مخبره شده بود و دلیل نرسیدن

تلگرافات با سیم ایرانی این است که ۸ ربیع الاول
تلگرافی بعنوان دریایی حکمران بنادر قریب باین
مضمون رسید،

جناب حکمران تلگراف اهالی عباسی رسیده
برادر سید عبدالحسن عباسی و نصف دارالحکومه را
تصرف نموده با بودن شما چه قسم واقع شده، شما
هم اقدامی کرده اید خبر بدهید، (وزیر داخله)
حال ملاحظه فرمائید بد بخت ملت فلک زده
بچه اندازه است که تلگرافات مهم که وقایع خرابی
مملکت بوده بعنوانات دلیل، مجلس مقدس، نایب السلطنه،
وزارت داخله، وزارت جنگ، وزارت مالیه و عدلیه،
و ناصر الملک، مخبره شده بود و نرسید، در کجا جلو
گیری شده معلوم نیست، وزارت تلگراف و پست
راست که تحقیق از این گونه مطالب فرمائید.

بعد از مراجعت دریایی از جاشک و چهار
پس از سه یوم شب غرضه ربیع الاول سید عبدالهادی
برادر جناب آقا سید عبدالحسین لاری با (۴۰۰)
نفر تنگچی نفلتاً هجوم بجایی آورده و یک برج و
نصف از دارالحکومه را تصرف نمودند و بنای جنگ
گذارند، دریایی و چند نفر تنگچی بزحمت نام عمارت
دارالحکومه را تصرف نمودند، و خودشان خبر دادند
که حاضر مدافعه هستیم و قسمی نمودند که توب
بر پشت بام رسانیدند، و مصباح دیوان هم از داخل
شهر با تنگچی های خود حرکت نموده سه عمارت
روبرویی دارالحکومه که محفوظ از دست اندازی
اشرار بود تصرف و سنگر کردند و بنای شلیک
بطرف اشرار گذارند. و یک عراده توب سوزنی
از جهاز ظهراش نام پیاده به پشت بام عمارت
رسانیدند، اشرار به تنگ آمده جناب آقا شیخ
علی دشتی و آقا غلام علی خراسانی را واسطه قرار
دادند، ساعت جنگ طول کشید، از طرف اشرار
۴ نفر مقتول و یک نفر زخمی و از طرف حکمران
۲ نفر تنگسیری مقتول، تا اینکه آقا شیخ علی که
واسطه بودند با چند نفر دیگر واسطه شدند، و بر
ملاحظه بود دریایی توسط ایشانرا قبول نمودند،
و چنانچه قبول نکرده بودند یک ساعت بعد اشرار
تسلیم می شدند عاقبت به سیصد تومان مصالحه شد
و اشرار از عمارت دارالحکومه خارج شدند، میگویند
کنون کار سخت تو و مخاطره بندر عباس زیاد تو

هفته متعلقه و مخارج لازم دارد زیرا که از قرار معلوم شیخ ابوالحسن برادر شیخ ذکریا با عده جمعیت حبه مدد برادر آقا سید عبدالحسن حرکت وعزم بندرعباس دارند هرگاه با اصرار ماموق شوند شاید باز مراجعت نماید. در این صورت چنانچه از طرف دولت و اولیای امور امدادی بطرف جنوب خصوص بندرعباس و سایر بنادر شود فاتحه بنادر جنوب را باید خواند

حبل المتین

این بود عن مکتوب بندر عباس ولی این حرکات از کجا و به اشارات کدام اشخاص واقع شده فعلاً ما نمیتوانیم تصدیق نمود اشاء الله پس از تحقیقات کافیه کشف این راز نیز بخوبی خواهد شد (نهان کی ماند آن رازی کنز او سازند مخفایا) - قال توحه وزارت داخله و وزارت خارجه - قبل از معاهده نوتین انگلیس و روس دولت روس بهیچ وجه راضی به پیشرفت مقاصد پاتیدی دولت انگلیس در سیستان نه بوده و فقط برای شرف مقاصد خود در آتیه همه قسم حمایت از نمود پاتید دولت انگلیس در سیستان می نمود و به محض مشاهده اعصی تجاوزات دولت انگلیس در سیستان فوراً به خیال جلوگیری افتاده با مأمورین این صفحات متفقاً مطالب را به سمع اولیای دولت میرسانیدند و اولیای دولت هم یا بواسطه اصرار روسها یا محبه نداشتن مشغله زیاد و یا به سبب اطمینانیکه به اظهارات مأمورین آن زمان داشتند تا اندازه در صدد جلوگیری برمی آمدند و همچنین دولت انگلیس همواره در کاستن نفوذ دولت روس در سیستان حد و حبه داشت و در این میان نقطه سیستان تا اندازه از نفوذ احاب و تجاوزات دول همسایه محفوظ بود ولی امسوس از روزیکه دولتین روس و انگلیس در امورات راجع به ایران با هم متفق و متحد شده اند وضع سیستان بکلی دگرگون گشته از کجرف عدم جلوگیری روسها از نفوذ پتید انگلیسها در سیستان یعنی باین معنی که روسها فعلاً اهمیت سابق را به بیرحند می دهند و سیستان را بکلی تحلیه کرده اند و قونسول روس که باید قانوناً در سیستان باشد و فقط تابستان را به بیلاقات بیرحند نرود اکنون یک سال تمام است که

سیستان نیلند و حق بیرحند است و به سیستان از طرف دیگر سی اهلای وکلای انجمن ولایتی سیستان از قوانین و قواعد مطروحات و بهر چه بود اینان در امورات سیاسی میدان خلق سیستان را خوبه حولانگامی برای پیشرفت پتید دولت همسایه قرار داده ساعت نیست که به نفوذ خود در اینجا نفوذ و روزی نیست که جذب قلوب از سردارها و خوانین اینجا نماید همان سردارها و خوانین که هنگام استعداد صغیر اهدا خبش و اقدامی بر خلاف مشروایت نه نمودند یعنی استعداد آن را نداشتند و همه ساکت و بی طرف بودند چه شد که امروز در بجهت استقلال مجلس مقدس شورای ملی متراجعت در اجرای اوامر اولیای دولت در خصوص برداشتن مالیات دو سال قبل که هنوز نه برداشته اند مساعه می ورزند استعدادی تخفیف مالیات از دولت می نمایند در صورتیکه از همه جای ایران کتر از سیستان باید دولت میشود اراضی حاصه را که دولت به تصویب مستنصر الملك معدل به مستاجرین سیستان اجازه داده است می خواهند بی اجازه دولت از دست بعضی از مستاجرین گرفته در میان خود شان قسمت نمایند چون اشخاصیکه به مقام این مذاکرات برآمده اند هیچ اهمیت و استعدادی ندارند که حرث تسامح از اوامر اولیای دولت نمایند و به همه حبه در موقع لزوم بکصد قبضه تنگ نه برمی توانند تهیه کنند پس با این استعداد جزئی فقط محرك خارجی می تواند اینها را به این اقدامات باز دارد از آنجائیکه بعد از عزل امیر حسام الدوله از حکومت قطنات این مطالب در میان سردارها و خوانین سیستان مطرح مذاکره گردید و پس از ورود امیر حشمة الملك پسر امیر حسام الدوله از قاین به سیستان خیال سردارها و خوانین قوت پیدا کرده به مراتب بر جفطارت خود افزودند و چون روسای سردارها و خوانین با امیر حشمة الملك سمت بستگی و خویشی دارند لذا ظن دیگر امنیت که حشمة الملك اینها را محرك شده تا مخلی آسایش مردم و امنیت گردند تا بلکه به این سبب دولت که فعلاً استعداد صحیحی در این سرحد ندارد برای رفاهیت حال رعایا و حفظ حدود سرحدی مجبور شود اصلاح امورات سیستان را از حشمة الملك که

مشاوران می‌تواند از عهده این خدمت بر آید خواستار
میشود، حشمت‌الملک هم به شرطی متقبل حصول امنیت
گردد که حکومت قاننات مجدداً به امیر حسام‌الدوله
یا به خود حشمت‌الملک واگذار شود و این همه گریه
در فضاها فقط برای همین است و بس
در هر صورت خواه محرك خارجی باشد خواه
داخلی آنچه مضموم میشود گویا عاقبت قطعه سیستان
یا دجایی مظلومش وجه مصالحه واقع شود اگر
فی الواقع اولیای دولت با اکثریت متعاضلی که دارند
در فکر حفظ حدود سرحدی سیستان و جلوگیری
از اقدامات دول همسایه و رفاهیت حال رعایای مظلوم
این صفحات همتد باید فوراً در صدد اصلاح انجمن
ولایتی اینجا که وکلایش سه سال قبل انتخاب شده
اند و آنوقت انتخابات صنفی بوده و حالا افرادی
است برآیند، یعنی تجدید انتخاب بعمل آید و حکومت
فعلی این صفحات را به حکومت جدید قانونی مبدل
نمایند هر آینه اندکی هم تأخیر در اقدامات شود
حواس اشکالاتی خواهند گردید که تکلی اصلاح
پذیر شود

(سرچشمه شاید گرفتن به بیل)
(جو برشد شاید گذشتن به بیل)
مکتوب از بصره

در شماره ۳۱ و صفحه ۱۸ حریده فریده
مکتوب بصره را خواندم و از بی‌اصافی نویسنده آن
متأسف شدم که مبالغه در نکوهش حساب سنیان
ضنیف بیک والی بصره کرده و چشم از محسنات او
پوشیده بی
(چون غرض آمد هنر پوشیده شد)
(صد حساب از دل بسوی دیده شد)

نویسنده محترم مسئله بریدن املاک و اصلاح حاده
را دست آویز کرده و شرحی رطاب و یابس بهم
تلفیق نمود و حال اینکه در ار استخاص متمدن
مهدب این اقدام والی درخور همه نوع تحسین است
چون جناب والی از این کار منظوری جز آرایش
شهر و آسایش مزدین نداشته و نخصت کسیکه باین
اندیشه افتاد و دست بکار زد جناب مخلص پاشای
خریق والی اسبق بود، ولی مدت مأموریتش مساعد
نشد و عملش ناتمام ماند این والی بتکمیل آن کوشید
جناب والی از بی‌تعمیر بودن و مصالحه

مطامیرد که چه قدر بر طبق بحث عمومی و سهولت
مزدین و زینت شهر بخفید است و مسئله توسیع
طریق در تمام ممالک متمدنه عالم متداول است و هر کس
ممالک خارجه را با آن قشنگی و زیبائی دیده باشد
میداند که سبب عمده قشنگی آن شهرها خیابانهای
وسیع و کوچه‌های بهین است و امروز که دولت
عثمانی اصول مشروطیت را قبول کرده و بفرآبادی
و عمران ممالک خود افتاده مبلغ گزافی مخصوصاً از
برای توسیع ذریق و تزئین شهرها استقراض کرده
و این کار در بسیاری از شهرها شروع شده و
منحصر به صره نیست و اسباب آبادی توسیع طریق و
خیابانها و ساختن راه شوسه و کشیدن تراموای و
تنظیف اروقه و معابر و امثال آن است و هیچ عاقل
منصفی نیست که این کار را تصویب نکند، مثلاً
املاک اسماعیلیها را که تبعه انگلیس هستند در بصره
بریده و قوسول انگلیس ابدأ در صدد محاسب برنیامد
و ابرادی نگرفت و حال اینکه احب در حال عثمانی
و ایران باندک بهانه کاه را کوه و دره را انوسه
حلوله میدهند و سخت ذبال میکنند ولی چون این
مشروع را نافع بحال عموم دیدند بدون اعراض
موافقت کردند، فقط چیزی که هست این است که مردم
این صفحات هنوز مأورف و مأنوس باین چیزها
نیستند از این حجه این فقره بمذاشان ناگوار می آید
اگر در نظر بعضی از کج بینان این اقدام والی
مستحسن نیاید مزیت آن از میان نبرود

دیگر اینکه صاحب مکتوب گفته است این کار
برای حکومت هیچ فایده ندارد گویا کمان کرده که
فایده فقط عبارت از بند شامی بول است که باید
بیکس حکومت برود خوب اسب این مسئله را از
انگلیس بیروند که در این سنوات اخیره که در بصره
این همه خانه و عتار خراب کرده و جزء کوچه و
خیابانهای شهر ساختند چه فایده بردند اینکه نوشته
است که دویت هزار لیرا بحکومت و مردم از
این کار زیان رسیده مبالغه در شعر جائز است نه
در ترخیلی از هموطنان ما باعراق گوئی عادت
دارند و مثل يك کلاغ چن کلاغ معروف است تمام
املاکیکه خراب شده به بیست هزار لیره نبرسد و
هر آنچه که بعضی مردم تصور رسیده حرف نیست
حالا بصره از بصره است و بصره است

عمومی بوجود دارایی اهمیت نیست، همیشه باید مصالح عامه بر همه چیزهای مرجح و مقدم باشد، و اگر کسی عقیده غیر از این داشته باشد از جرکه انسانیت خارج است. جناب والی قاضی میگوید که محکمه برای شنیدن هر دعوائی حاضر است، هر کس این اقدام مرا خلاف قانون بداند بمحکمه رجوع کند، آنهاییکه قانون نامه استملاک را شاهد می آورند چرا بمحکمه شکایت نمی کنند، اما در مسئله بلوچها و بیان نامه والی که نویسنده تنقید کرده، جناب والی در این قلمر منافع نوات متبوعه خود را ملاحظه کرده و هر مأمور دوستخواهی همین حال را دارد، از گفتن حلوا هیچوقت دهن شیرین نمیشود، قوسول ایران و قوسول انگلیس هر دو قانوناً جواب آن مسئله را داده و میدهد.

دیگر اینکه نویسنده مکتوب عیب جوئی از والی کرده که مجلس تیار فرام و ۱۲۰۰ ایره برای صندوق بلدیہ جمع کرده، حضرت عالی میدانید که در تمام شهرهای متمدن مردمان بزرگ و اشخاص محترم برای بعضی مشروعات خیریه این جور مجالس فراهم می آورند، حتی سفارت ایران در اسلامبول هر ساله برای منافع دبستان این کار را میکند و چندی قبل در بعضی از حراید داخله دیدم که در ماهران بعضی از خیرین برای اعانه باز ماندگان شهدای راه حریت اینگونه مجالس ترتیب دادند، این کار را بهیچ وجه نمیتوان نوعی از منفعت شمرد.

نویسنده محترم در ایراد این مسئله بی اطلاع خود را ثابت کرده و بقدریکه از جناب والی عیب جوئی کرده شایسته بود که از هنرهای او هم چیزی ذکر میکرد.

(عیب می جله چو گفتن هنرش نیز بگویی)
افسوس که ابداً از اقدامات جدی او در استقرار امنیت و آسایش مردم اسی نبرده، میتوان گفت که بصره و دهات آن هیچوقت باین درجه امنیت نداشته، سابق مردم در شهر شها خواب راحت نداشتند. حالا تا صبح با کمال اطمینان و آزادی گردش میکنند بسا از شها خود والی بنفس نفیس با عساکر در شهر گردش و راحت خود را فدای آسایش مردم میکند چرا این خدمت و تقدر نمیکند و از وقتی که ان والی آمده تا کنون قدر

می نظر تقریباً لزماً اجراء حکومت و پولیسها را که بعضی هر وظیفه خود قاصر و پلور... بقصر بودند عزل کرده و از این تغییرات اصلاح بنسایانی چون دوائر حکومت پیدا شده که موجب خوشنودی تمام خلق گردیده و چنان آب چشمی از مأمورین گرفته که سلوک آنها با مردم سبب سابق خیلی فرق کرده، و حالا احدی جرئت ندارد که نام ریشوه را آشکار بر زبان بیاورد، بجهت اینکه برای بکفران چندی قبل پلیسی را توهمین و مجازات داده از خدمت خارج کرد، اما سلوکش با ایرانیها نسبت بولایه گذشته بدتر نیست و ما از او قلیاً ممنون هستیم در عاشوراء گذشته چند نفر از جهال خواستید نزاع شیه و سنی را که عقلاء فریقین امروز دو قطع ریشه آن کوشانند فراهم نمایند، ولی جناب والی الحق جلو گیری خوب از آن مسئله کرده و آن واقعه الحمد لله بخیر گذشت، آنچه از حال این شخص معلوم است تعصب بیعی و کینه پرستی را بکلی منسوخ است و میل دارد با جمیع عناصر بطور عدالت و مساوات رفتار کند و خود از اشخاصی است که جد و جهد بسیار در رفع (کاپیتولاسیون - امتیاز خارج از مملکت) دارد و این مسئله بسیار مهم تا تعصب و کینه پرستی بر طرف نشود و تا عدالت عام و مساوات تام در میان نیاید صورت نگیرد چون دولیکه در ممالک عثمانی دارای حقوق (کاپیتولاسیون) هستند تا اطمینان کامل بعدالت محاکم عثمانی و بیغرضی مأمورین حکومت پیدا نکنند محال است که این حق را ترک نمایند.

این مسئله محسوس است که رفتار عثمانیها امروز با اجاب عموماً و ایرانیها خصوصاً دخلی بسابق ندارد و تمام عقلاهی آنها مایل هستند که آتش نفرت و کراهتیکه جهال طرفین بهانه اختلاف مذهب میان این دو ملت تولید کرده اند بر طرف نمایند، و این نکته مسلم است که امروز سعادت و ترقی اسلام موقوف باتحاد و اتفاق صمیمی ایران و عثمانی است. چه رابطه دینی و اخلاقی و ادبی و اقتصادی میان این دو ملت بزرگ بانگازه ایست که بقسلی بایران بته بقای عثمانی و اضحلال ایران ملی است. عثمانی استند ما ایرانیها عموماً باید از جورانیان بترسند خورشید ما هم و همدردی و مساعدت که در اشتباهات

صبر پسران ما کمره باید... شایسته نیست و حال بزرگ این دولت را بفرض منم و آن برویت یعنی سابق را که با زوال استبداد مرد، دو باره زنده کنیم امروز هر کس درد مسلمانی و حق اسلام بوسن دارد باید در تألیف و تحبیب تمام مسلمانان عالم از ترک و عرب و ایرانی و هندی و افغانی و مصری و غیره نکوشد که خیر و سعادت ملت املام بلکه تمام ام مشرق زمین در این است. بنده بجز بکندو قره با این والی ملاقات نکرده ام و بپیدجوچه دوست و آمیزش با او ندارم. ولی از بیغرضی و درستکاری و همت عالی او در آبادی مملکت و جلب آسایش رعیت خیلی خوشنودم و اقدامات نافه او را درخور ستایش و سپاس میدانم این شخص در دوره حمیدی چندین سال مفضوب و منفی بوده و قبل از این در (سیواس) مکتوبچی بوده بواسطه کفایت و پشتکار که دارد بگمرته ار آن درجه بنصب والیکری رسیده خیلی دماغ کار دارد و شب و روز سایی است که بدولت و ملت خود خدمت نمایان کند و هر کار که تا کنون در بصره کرده میتوانم بجزئی بگویم که به سبب اصلاح بوده و ابداً منفعت دانی از برای خود ملحوظ نداشته و چون نیتش خیر و قصدش خدمت بود است اگر خطائی هم بکند نزد حاکم و حدان مشغول نیست، اما بعضی از اعیان و مأمورین باطلتاً از او دستک هستند و حبه هم این است که ارباب نفوذ در مملکت همیشه دال حاکم ضعیف النفسی هستند که بر افکارش مسلط شوند و او را تابع خیالات و حاض اراده خود کنند و حاکم با جر بزه جدی را هیچ وقت نمیخواهند زیرا که بمیل آنها راه نمیرود و در اجرای وظیفه ملاحظه از کسی نمیکند و تمام مرهم در نظرش بکسانند ابکاش ما در ایران مانند این والی بنجاه فقر مأمور داشتیم

حالات

نظر با اعتمادی که به نگارنده مکتوب داشته ام عیناً درج نمودیم ولی از بیان يك نکته نیز ناچاریم که معنی و مانعخواهی عبارت از نصب حقوق دیگران نیست - اعلانی را که جناب والی دوباره بلوچها داده بودند قسمی حقوق شناسان را به هیجاث نگورد که ما نیز ناچار بدرج آن مقاله شدیم و جوابی

را بجه نگارنده محترم این مکتوب در این خصوص از طرف والی داده بپیدجوچه در نزد وجدان ارباب اصناف پسندیده نیست. ما در صورتی میتوانیم تصدیق محامد والی را بدرجه کمال بنامیم که به بنام جناب والی آن اعلانی را که دوباره بلوچها داده رسماً تردید نمایند - اگر خودشان تردید کنند بهتر باشد که دیگران در اسلامبول تردید یا به حبر ایشان را وادار به تردید نمایند - مسلم است که هیچ صاحب اصناف وجداناً چشم رضا بآن اعلان رسمی والی نتواند باز نمود - منتظریم که اقدامات قوسل ایران را نیز در خصوص این اعلان در نامه مقدس درج نمائیم -

مکتوب از بغداد

چندی قبل امام جمعه طهران وارد کاظمین شد از آنجائی که درس خود خواهی را بحد کمال از بر دارند قبل از اینکه خبر ورودش بطهران برسد خفته عربانه کرایه نموده تا قصبه (مسب) که پنج فرسخی کربلائی است و از آنجا سوار کت شده بکسر رفت بکوفه و از آنجا به نجف اشرف منزل آقوی آیه الله خراسانی بدخالت افتاد، و بین وسایه خودش را نجات داد، بعد از این قضیه نایب‌الصدر زنجانی از ایران فرار نموده وارد عراق شد انجمن مساوات ایرانیان کربلا خبر ورودش را تلگرافاً بطهران دادند، از وزارت خارجه به کار بردازی بغداد ناظران رسید که مشارالیه را گرفته تحت الحفظ فرستند و تسایم حاکم کرمانشاهان نمایند، (مشارالیه) قصبه را ماتفت و طریقه امام جمعه طهران را پیش گرفت، گریخت به نجف اشرف و دخیل آیه الله آخوند شد، نمیدانم حضرت آیه الله از سر آن طامهائی که نموده خواهند گذشت یا سزایشان خواهند رسانید،

طهیرالملک کرمانشاهانی به بیانه زیارت خود را از ایران بیرون انداخت، و مدت دوسه ماه بود که در این صفحات گردش می نمود بعد از عاشورا بایران مراجعت و وارد (خانقین) شد، که خبر گرفتاری پسرش اعظم الدوله را شنید از هانجا دوباره به بغداد مراجعت نمود. تفصیل گرفتاری اعظم الدوله از این قرار است،

بندر لنگه

(۱۴ شهریور)

دریاپیگی با جہاز ہاپونی وارد بندر لنگہ و پیادہ شد . اتدار نظام عزل و میرزا محمود خان نص و سید باقر را ہم بجمہت معاونت ایشان مقرر فرمودند . و بعد در انجمن آزاد آمدہ و جنبہٴ مہور رای حصر کردند . و در حصور نظار و عہوم تجار بز نمودند . و بعضی رایے ہا را ہم نوشتند . چون دریاپیگی میبایست حرکت نماید . موقوف داشتند کہ فردا مجدداً نظار جمع شوند و جمیع رای ہا را بکشند . و انجمن بلدی دائر کنند و بموجب حکم دریاپیگی مجدداً تعرفہٴ دیگر بجمہت آتخاب یک نفر وکیل باید بدہند کہ تا مراجعت ایشان از جہاز وکیل بوشہر حاضر باشد . تا کنون کہ ۲۰ شہر صفر است اہدا اقدای شدہ نہ انجمن بلدی دایر و نہ تعرفہٴ رای دادہ و نہ جنبہٴ مہور کہ بعضی از آن نوشتہ اند باز کردہ اند . مساعیہٴ نایبالحومہ نمیدانم چہ حہمت دارد .

حال قریب ہفت یوم است یک جہاز جنگی ہوات انگلیس روزی سہ مرتبہ از بستانہ تا بند معلم ایاب وزہاب مینماید . پنج وسہ جاہوت کہ ہر یکی دارای یک عرادہ توپ مسلسل و ۲۰ سوچر میباشد درکنارہٴ دریا ارگنک و برکہ سفلیں و بند معلم گردش مینماید و یکی بظرف بستانہ و شناس .

دیروز از کدخدای شناس عریضہ بہ نایبالحکومہ رسیدہ بود کہ یک عرادہٴ توپ و ۲۱ نفر سوچر با اساعہ و دو صندوق فشنگ و اسباب خوراک پیادہ کردہ اند .

(شناس تا لنگہ چہار میل است) نایبالحکومہ مأموری فرستادہ از قرار معلوم رسماً بنامندہٴ ایشان توصیحات در این خصوص خواستند جواب دادہ بواسطہٴ دوفان و انقلاب دریا جالیبوت (لوس شدہ) یعنی از شدت موج نزدیک بخشکی رسیدہ و تمام اسباب تر و صایع شدہ ازین رو بہ خشکی آوردہ ایم و فردا کہ دریا ساکت میشود توپ وغیرہ را حرکت میدہیم در جالیبوت . مقصود ہمہ روزہ اسباب درد دلی بجمہت وطن خواہان فراہم می شود . خداوند وطن ہارا از دست دشمنان نجات بدهد . ہمین اقتدار خارجہ چہ قدر رعب در دل دشمنان

نظام السلطنہ حاکم کرمانشاہ بہ بہانہ تادیب عشیرہ کاکوند از کرمانشاہ حرکت نمودہ در بن راہ بہ اعظم الدولہ برمیخورد و گرفتارش میکند . و عرض حرکت نظام السلطنہ ہم گرفتاری اعظم الدولہ بودہ بعد از گرفتن زنجیر نمودہ با کاسکہ روانہٴ طہرائس ساخت . ترتیب روانہ نمودن از این قرار بودہ است اولاً مقدار معینی سوار ہمراہش و چہار نفر را در ہفت کاسکہ کہ اعظم الدولہ را سوار نمودہ می نشاند . چہار نفر در جلو و عقب و ہر چہار سر فشنگ ہا را فشنگ گذاردہ آمادہ کہ اگر در اسلی راہ سوار بجمہت خلاص نمودن اعظم الدولہ رسد فوراً کار او را تمام کنند .

بعد از ورود ظہیر الملک بکاطمن (ع) تاغراف شمرہٴ بہ کار بردارخانہ از وزارت تہارخانہ در تب گرفتار نمودن ظہیر الملک میرسد از با کمپانی حباب منشی باشی . تب اول کار بردازی و ترحان شان در ہم ساعت ورود تاغراف رمز تمام اہالی بغداد و کاصمین ارمضمون حردار شدند . همان روز در ف عصر یکنفر فراش روانہ نمودند نکاصمین نزد ظہیر الملک کہ کار برداری شمارا میخواہد . جواب داد حالا وقت تنگ است فردا صبح می آیم . همان شب (تراموای) کرایہ شدہ نصف شب وارد بغداد شدہ از اسکالہٴ تراموای سرر قایق شدہ بکمرہ بقوسلحانہ روس کہ کنار سہ واقع است وارد و باہندہ میشود ایک مدت سن روز است در قوسل خانہ روس می باشد . از فرار خبر موثق گفتگوی مشارالینہ با قوسل روس از این قرار شدہ . قوسل گفتہ کہ نخت تو ممکن است بشردیکہ در این جا نمائی باید روسیہ بروی تا بتوانیم ترا حباب کنیم و احتمال درد بسرت اعظم الدولہ را ہم خلاص نمایم . اما املاک از دست میرود . تا بحال در فوساخانہ محصص می باشد . قوسل تارہٴ روس کہ در (اسکوب) رد و مامور بغداد شدہ وارد گردیدہ . و قوسل سابق سہ روز دیگر از بغداد رو باسلام بول حرکت میکند و از آنجا بروسیہ خواہد رفت کہ مطالب اندیختہای چند سالہٴ خود را از عراق عرب بہ پای تخت ہدیہ ببرد . ہمسایہ مشغول کار خود . وما بمید ترحم ایشان نشستہ ایم خداوند حقیق با عطا فرماید .

ندید بر نبود خودشان میافزاید.

گذشته ازین امثال اعراب بنادر (شیکو) که همیشه بوظیفه خور و جان نثار ایشان شده اند، هرگاه اولیای بی دولت ابد مدت توجهی بطرف بنادر (شیکو) نرمایند، امثال عمان و هنجام و جزیره بن موسی خواهد شد.

از پیاده شدن توب بعضی بدرجه بنشاش دیده می شدند که چه عرض نمایم. بعضی امثال جگر روزی هزار مرتبه غاب مرگ از خداوند می نمودیم.

چون در این ایام بحول وقوه آبی مویبد بر تشکیل انجمن تربیتی ایران و آمریکا گردیده لازم دانست مختصراً اطلاع بر آنحضرت داده باینواسطه صفحات خریدۀ محرمه ایرانیان را از تشکیل این انجمن نیکو و مقاصد عظیم آن مخبر سازید. افکار و خیالات و اصول و فروع این انجمن در نهایت وضوح و روشنی در کتابچه چینی مقدمه و کنستیتوسیون که لغاً ارسال میدارد درج گردیده و معلوم است مترجم اداره ترجمه نموده و در صفحات روز نامه شریف درج خواهد گردید. لذا در اجتهاد لزوم تکرار آن نکات نیست اگرچه خیر را فکر آن بود که مقاله در این باب بویسد و مقدمه و کنستیتوسیون را خود ترجمه نماید ولی چون فعلاً فرصت نود فقط بدو سه کله وضع تشکیل انجمن را عرض مینماید که قارئین آگاه گردند.

از اول ماه اگست سال گذشته الی ۲۵ اکتوبر بنده در اعراف آمریکا مشغول بفر سفر بود و در شهرهای پترزبرگ و شیکاگو و کنوشه و راسن و کلیوات و بوقانو و سندسکی و یاکاراقالز و هراز جزیره و کاناو و نیویورک و بروکلین و میلادلفیا و بالتیمور و غیره هر چند روزی مانده مردم را ملاقات نموده فابریقه ها و مدارس را تماشا کرده اطلاعات مفیده بدست آورده اهالی را از بیعت و همت ایرانیان مخبر ساخته بر ترقی و تمدن آمریکا تشجیب و بر تقهر و ندنی ایران تحسر خورده و بر لوازم و احتیاجات ملی و بتذکی خودمان کی آگاهی یافت و چنان امیدوارم که بزودی و نتایج و آثار این اسفار را در مقالاتی درج و از نظر هواداران عزیز بگنویسد.

ایمی که در شیکاگو بودم حجاب مسز سینس اسپرینگ امریکائی را که دوسال معلم مدرسه تربیت در طهران بود ملاقات کردم که برای فصل تعطیل تابستان بدیدن خویشاوندان و تحصیل بعضی مسائل تربیتی مدارس آمریکا آمده بود خیر با ایشان شرحی مفصل از احتیاجات علمی و فنی ایران صحبت نمود و مشار الیه دلسوزانه حسرت میخورد که نه راه کسکی مفتوح و نه شاهراه تأیدی باز، ولی این دید که چند سال در اینصفحات عمر خود را گذرانیده و با بزرگ و کوچک و عالم و جاهل و ننی و فقیر سر و کله زده میداد است که مردمان آمریکا کلاً نوع پوست و اسنان برست و ترقی خواه هستند و اگر واسطه امینی و انجمن مینی نمیه شهود ندیم میگذازد البته کمک فعلی و تأیدی عملی مینمودند، و ایسه تبحال خدمت شایان بایران نموده اند همت شده واسعه حقیقی بوده و از همانوقت بنسده را خیال بر آن افتاد که با کمک یاران آمریکائی و نفوذ بزرگان این دیور انجمنی تشکیل نماید که دارای سمت رسمیت و رسوخ و فوه بود. و در نظر باشندهگان این تملکت حشمت و حلال داشته و مردم اعتماد کامل بر آن داشته باشند تا باینواسطه رسمی بعضی خدمات علمی بایران بنایم. مدارس بگشایم. کتبخانها باز کنیم. انوار علم و هنر انتشار دهیم. و اذغال آن سرزمین را سرچشمه فنون و اختراعات بنایم.

باری چون در او اخر ماه اکتوبر بواشدکنن رجعت نمودم و منزل خود را ترتیب دادم فی لوقورجی از دوستان امریکائی خود را ملاقات نموده و آنها را برای شب ۲۰ همان ماه به بنده منزل وعده گرفته که در این باب صحبت بنایم. آنشب ۲۴ نفر زن و مرد حاضر شده و بر حسب هوائن جمهوری محض آنکه آن انجمن رسمی گردد و خیدلات و افکارش در آینده صحیح و قابل آبت و مقبول عندالعوام باشد حضار مسز فرد. ژ. ادوارد را که یکی از معماران حکومتی ایشهر سن رئیس و مس لوین شومن را منشی انتخاب نمودند. اول بنده شرحی مفصل در لزوم تشکیل چنین انجمنی بیان کرد و بعد حاضرین هر یک عقائد خود را در این باب اظهار داشتند و بالاخره معلوم شد که تمام در ایجاد چنین انجمنی متحد و متفقند، از بروکلیته مرتبکب از مسز ژوزف هنر و مسز

فرد اوارد و حقیر انتخاب گردید که با هم مشورت نموده و مقدمه و کنستیتوسیون انجمن را نوشته و چون حاضر گردید مجلس دیگر مهیا نموده و در حضور آنها و سائین خوانده رسماً قبول گردید در بکام این کتبه هفته یکبار کفراس نموده و به ترکیب و انشاء کنستیتوسیون جدا مشغول بود تا آنکه پس از مشاورات زیاد مسوده آن اوراق حاضر گردید محض آنکه فقط به عقل و کیاست خود تکیه نهد کتبه مذکور چهارده سواد از مقدمه و کنستیتوسیون با چرخ تحریر حاضر نموده و نزد چهارده نفر وکلاء ماهر و فلاسفه قانون و روسای کلیات آمریکا ارسال داشت که هر یک آن اوراق را بقدر دانش و علم خود تصحیح نموده هر کدام افکار سنجیده و خیالات بخته خود را در آن بگنجاند

لذا بعد از دو سه هفته حواهای بسیار مفید از این دیوان کامل دریافت شد و بهترین نکات دقیقه و محکم ترین اشارات قانونیه را که اظهار داشته بودند در بطن مقدمه و کنستیتوسیون گنجاندیم و بزبان کفایب هموده و دوباره سواد ها کرده و برد مشارالیه فرستادیم و هر کدام براتفاق و اکال آن تمجید نمودند

لذا این مقدمه و کنستیتوسیون انجمن تربیتی ایران و آمریکا بر حسب عقائد بزرگان و فلاسفه آمریکا که خطوطشان نزد حقیر حاضر است انشاء قبولاً از هر جهت کامل و متن و تمام است .

چون این مقدمات انتهی رسید در فکر چاپ و انتشار آن اوراق اقدام ولی بد بختانه بغیر از دو دلار بیشتر نداشتیم در صورتیکه تخمین چاپ اوری و تمر و پوسته و سائر اخراجات دیگر به صد و ده دلار میرسید لذا سرگردان و حیران بودیم که از چه سرزمینی این مبلغ هنگفت را بدست بیاوریم، تا آنکه بعد از دو سه روز حقیر بدیدن مسالبرت کلیفورد بارنی (که یکی از زنان دانا و با نفوذ این شهر و فیلانترپ و از نقاش های ماهر آمریکا است) رفت و پس از صحبت های متعارف شرحی در باب تشکال انجمن تربیتی ایران و آمریکا برای او بیان نمود و مقدمه و کنستیتوسیون را برای او بخواند، آن محترمه بسیار متعجب و تمجید

نمود، بعد گفتم بی این نوشته جات بعد از زحمت زیاد حاضر شده ولی بی بولی مانع از چاپ و انتشار آنها است تا آنکه مردم خوانده و طالب گردیده عضو این انجمن بگردند. پرسید چقدر وجه لازم است عرض کردم صد و ده دلار. و التور در کتابخانه خود رفته و یک برات برای آن مبلغ نوشته آورد و در دست من گذارد، بنده چون بآن نگاه کردم از شدت سرور اشک از چشمم سرازیر گردیده و با زبان لکنت آمیز از او تشکر نمود، اما او گفت این مطلبی نیست خیلی مسرورم که بتوانم باین امر محسنه خدمت حزای خیم، حال بروید و بزودی چرخ های انجمن را راه بیندازید. این عبد مانند صری که در فضای لایتمای پرواز نماید برار هبور و سرور بمنزل خود رجعت نموده و این خبر را بسائر اعضا، کتبه داده آنها هم خوشحال گشتند و بدون اتلاف وقت بکار اقدام .

اول تالار بزرگ قشنگی پیدا نموده و صدچند صد اوراق وعده چاپ نموده نزد یار و اغیار فرستاده شد و آنها را برای شب هشتم جانویه وعده گرفتیم که بیایند و بقرائت مقدمه و کنستیتوسیون انجمن تربیتی ایران و آمریکا گوش دهند و افسر های انجمن را انتخاب نماید ولی در این دو ماه گذشته حقیر دائماً با این و آن یا بمراسه مشغول و یا بملاقات مالوف و مردم را تشجیع و تحریص در انجام اینکار مینمود و نفوس مهیه را دیده از آنها خواهش نمود که قبول خدمات این انجمن را بجایند تا پس از زحمت زیاد فهرست ذیل افسر ها برای انتخاب عمومی حاضر گردید

رئیس - مستر ویلیام هور، تاجر معتبر مشهور در نیویورک

نایب رئیس اول - مستر هوار دریساید، نائب رئیس بانک بزرگ آمریکن سکی یوریتی اندرست کیانی

نایب رئیس دوم - مستر هنری کلیدن تامس، مصنف و فیلسوف و متکلم بسیار محترم از شهر شیکاگو نایب رئیس شوم - مسالبرت کلیفورد بارنی فیلانترپ نقاش مشهور و یکی از اول خانان با نفوذ سوسیته واشنگتن

نایب رئیس چهارم - مستر شارلز مانتن ریوی، معمار

حقیقی و سیاسی و پسر امیرالبحر آمریکا
دفتر مطبوعه - مس لویز شومن، یکی از منشیان اداره
حکومت حفظ حقوق مخترعین و منکفین
منشی مستر ژوزف هنن - رئیس یکی از دواخانه
های بزرگ آمریکا

نایب منشی - مس ژولیت زمرمن، معلم فیزیک و کیمیا
در مدرسه رشیدی واشنگتن
خزیه دار - احمد سهراب
کتابدار - مس کلودیا استوارت کولز، یکی از
منشیان اداره جنگ

باری در آن شب هشتم جانویه بشتر از ۲۰۰
نفر مرد وزن از محرمین در آن مجلس حاضر گردیدند
و بحسب بروگرام قشنگی که درست نموده بودیم
و شیر خورشید ایران در بالای آن چاپ شده بود
آن مجلس بزرگ افتتاح گردید. اول حقیق خطاب خوش
آمد و بسیاری نکات دیگر که شرحش خارج از
این مقام است در باب ایران و آمریکا بیان کرد و
مقدمه و کنتیتوسیون را خوانده و قبول شد و
افیسر های فوق به آرای آن مجمع متحداً منتخب
گردیدند و موسیقی ملیح و آوازه شیرین بواسطه
حرف از اهل این فی شریف دلسا را بر از
شعف نمود.

مستر چارلرسل سفیر آمریکا به ایران که تازه
باین مقام نامیده شده با دختر خود و نماینده دولت
ایران و وقایع شگراف روزنامه ها در آن مجلس
حاضر بودند و جمیع حاضرین از صمیم قلب محبت
و دوست خود را بایران طاهر و هویدا ساختند و
در آخر مجلس صدای پاینده باد ایران، ابدی باد
جمهوریت آمریکا از آن مجمع بزرگ بانند گردید

عکس تالار، و رفته دعوت بروگرام مجلس، اوراق
روزنامه ها که در باب آن مجلس مختصراً نوشته اند
سواد امتیاز با فرطان حکومت سعه و رفته عصوبت
کتابچه چاپی مقدمه و کنتیتوسیون سواد شعر ابدار
مستر ژوزف هنن و سواد خلی که حقیق به رئیس
جمهور مسز ویلم تحت نوشته کلاً ارسال میدارد
چونکه پس از چاپ این عریضه در روزنامه
مخبره آثارا هم توجه شده چاپ گردد تا هر کس
بر حقیقت حال اطلاع یابد.

در منزل خود به افتخار افیسر ها داده و قریب
صد نفر زن و مرد از دوستان بدین آمده و در
نهایت خوبی افتتاح انجمن شیرینی و شربت ایرانی
صرف شد.

چند روز بعد هم مسس بارنی ضیافت بسیار
درختانی باسم انجمن و بافتخار مستر رسل و عیال
و دختر او در خانه خود که مانند قصری است
داده و بزرگان و امنای دولت را وعده گرفت که
از وجود و تشکیل انجمن تربیتی ایران و آمریکا
آگاه کردند و خیلی با رونق و شکوه بود

خلاصه نقداً بجززار نسخه از مقدمه و
کنتیتوسیون چاپ گردیده و چند روزه هزار نسخه
آنها با ادارات آمریکا انتشار داده ایم و امیدواریم
که نتایج خوب رخ کشاید و سبب از دباد اتحاد و
اتفاق و تجارت مابین دو مملکت گردد، و اگرچه
عمر این انجمن هنوز بدو ماه نرسیده است ولی در
جمیع ادارات و اصناف آمریکا شهرت پیدا
نموده و الی الآن عده از نفوس اعضا پیدا نموده
که بعضی بول فرستاده تا امدفال فقیر ایرانی در
مدرسه طهران تربیت یابند - امید واریم که عدد
اعضای این انجمن در این سال به پانصد نفر برسد
و انشاءالله در آخر سال شرحی در ترقی و وضع

انجمن و صورت حساب واردات و خارجات بجهت
انتشار در روزنامه شریفه ارسال خواهد گردید
نقداً آدرس افیس انجمن را نیز در جریده مبارکه
چاپ فرمائید که هر ایرانی که اطلاعات تجارتنی وغیره
وتیره در باب آمریکا لازم دارد باین اداره رجوع
نموده حواب کافی داده خواهد شد و حق المقدور
ایرانیان را بقدر فوه خدمت خواهند نمود، زیاده
بر این حسارت نمی نماید

(میرزا احمد سهراب)

خزیه دار انجمن تربیتی ایران و آمریکا
- تهران آباد و بندر جز -

بمهدالله از اقدامات و توجهات جناب امیر اعظم
حوزه حکومت استرآباد و کوبلان منظم و در کمال
امیت. عموم اهالی بدعاگوئی او ایامی دولت و وکلای ملت
مشغول اینته اقدامات و مان برورانه شاهزادیم حکمران
در صحنه جمیع آوری موجوده طاهره و بیخلافه بجهت
سکون و خفا و امانت و امانی گردیده و ملازمین و کراوه بجهت

الحق والانصاف دلیقه از وظیفه مردم داری نفلت نبی و رزق ، خداوند وجود مبارکشان را با اقدامات و خدمات خدا پسندانه برقرار و پایدار فرماید .

(بندر جز و تشکر از وزارت جلیله خارجه)

از اعتشاش و بی ترتیبی کلیه امورات این بندر مهم در سابق عموم ابنای وطن مطلع ، ولی بعد از ورود جناب معاضد الملك سرحد دار محمدالله وضع سابقه اکتی تغییر کرده ریرا که از حقا نیست این راد مردم ملت دوست را آثار ترقی هویدا لدی اورود حکم بتخلیف بندر و چراغهای بارار و محلات فرمودماند . عموم ساکنین بندر را متشکر نمودهاند . محمدالله اسباب آسایش اتباع ناخواه و حارجی از هرباب مهیا دو سه قهره سرقت کلی در این مدت شده بود . بتدابیر صائبه و افکار عالیه و کجکاوپهای زیاد بدنا و بدون آنکه دیناری حیف و میل شود بصاحبانش مسرد خیالاتی که در سر دارند هرگاه بعضی با خیالات و من خواهانه این سرحد دار همراه و هم آواز شوند ترقی این بندر از سایر بندر افزون خواهد شد . جناب معاضد الملك بطریق خفیل ساده و مسلک بسیار خوشی که مردان مشروعه و عدالت خواه را در خور است حرکت و مقام خود را در حقوق از زیر دستان ترجیح نمیدهند . نس و رور در فکر آبادی ملک و ترقی مات هستند می سزد که بندر جز بوجود این مرد کافی بسازد چه اگر چندی بدیعوال بگذرد بندر جز ترقیات حدی را بخود مشاهده خواهد کرد .

(زنده باد وطن پرستان)

محمد علی امین اتجار اصفهانی

معارف پروری سردار ارفع

نامه مقدسه (جبال المن) خصوصاً و سایر جراید هموماً شروخی را که در باب تاسیس و توسیع مدرسه سارکه (خزعلیه) که به نام نامی سردار ارفع (شیخ خزعلخان) امیر نوایان حکمران و سرحددار در (محرمه) دایر گردیده مندرج داشته اند البته مطالعه کنندگان محترم ملاحظه فرموده و این حس اقدام در نظر شان مستحسن بوده است . چون فی الحقیقه نشارت اینگونه اخبار هموطنان ترقی طلب مشروعه خواه را امیدوار و وطن را فرین افتخار میکند لهذا عرض این را مناسب میداند . گذشته بر انواع همراهی هائی که جناب سردار در این خصوص بذل فرموده اند این دو روزه ابراز و اثبات يك معارف پروری خصوصی هم نموده اند . باین نحو که پنجشنبه پنجم ماه ربيع الاول بدون آنکه خبر نمایند و تشریفات

و تظلیاتی را مقید و منتظر باشند بمدرسه (خزعلیه) تشریف قدوم برده ، مطمئن را بالمصنوم از هر مشرب و مذهب نوازش و تشویق و از یکا یک بطور مقتضی تقد و تحقیق فرموده اند . و علاوه بر اعانه استمراریه که مبدول میدارند بهم نامی دمه توان انعام و محض تهیه لباس و لوازم ادعالی که اولیای آنها مقتدر نباشند ، مبلغ یکصد تومان نقدا بذل و وعده نموده اند که بنای خاصی نیز برایش مدرسه بگذارند و در پیشرفت این اساس مقدس که سرمایه سعادت مملکت است همه نوع مساعدت فرمایند و نظر و تالی و ترویج افکار عالیه جناب سردار حاج رئیس پیشکار هم افعال خود شان و آقا عابدی نایب الحکومه و برخی از بستگان حکومتی را بمدرسه فرستاده اند و کلبه از هرجه کمال همراهی را مینمایند و گویا بجا باشد هماغوی که اهالی اینجا از این جناب سردار را دعای کنند نامه مقدسه نیز با آنچه همی که در اشاعه معارف و استحکام مشروعه و قدرت قلمی که دارند ثنا فرمایند که بدانند قدر می دانند و هم ایشان بر محاسن اقدامات بیفزایند و هم دیگران پیروی نمایند .

تقل از روزنامه شریفه ایران نو

(اتباه نامه انجمن زرد تیان)

انجمن زردشتیان با رضای آقا ارباب کیمسرو شامرخ انبیا نامه خطاب بزردشتیان نشر کرده و بعد از مقدمات مفصله که و حوب وطن پرستی برادری را با دلایل اساس زردشتیگری را بموجب آیات (اوستا) بیان نموده و بتوان اصل مقصود هم و نشان و برادران ما زردشتیان به مقاصد ذیل دعوت مینماید

• موافق احکام مدهی و وظیفه خیر خواهی ملت یومنا هذا که دیگر جی نهفتن عیوب و نکفتن مطالب حقه نیست نخست بعموم زردشتیان ابراز خصوص زردشتیان طهران که در مرکز مملکت نمونه دیگران اند اعلام می شود . که امروز بدخواهان مملکت در هر گوشه و کنار به انواع اقسام دامپلی بردانه گسترده و منتظر صید اسات اند - مبادا فریب خورید و سود خود را بر خیر نوع و سعادت مملکت ترجیح دهید و یا از عادات ناپسند آنان اقتباس کرده از جاده ایرانیت و زردشتیگری عقود خارج شده امتحانات نامناسب بدهید و یا محض هم نشینی با اشخاص ناشایست دامن پاک خود را بلوث قلب و خیانتی در معاملات و غیره

فرمانی مبنی بر عزل و نصب از طرف وزارت
 زودستی مجلس مخالف فرایض زودستیگری دیده و
 یا شنبه شود محض تیره باسم زودستیگری از آرایش
 وجود چنان اشخاص آن شخص را بهیچوجه زودستی
 نشانده انجمن زودستیان طهران مخصوصاً در مجازات
 و کفر همچو بد کرداری از اولیای امور تنها
 خواهد نمود که از میزان قانونی هم در پاداش همچو
 شخصی تجاوز نماید تا غایب عبرت دیگران شود و اسم
 آن شخص مقابله کردار را در روزنامهجات
 مملکت اعلان خواهد کرد ، تا مردم بعدها باسم
 زودستیگری چنان شخص فریبته نشوند و اسباب
 بدنامی سابقه زودستی فراموش نگردد - یقین است
 انجمن های ملی زودستیان سایر ولایات هم همین مسلك
 را اختیار خواهند نمود تا بعون الله هیچگونه بدی
 و ناراستی و خصال ناپسندیده در زودستیان داخل
 نشده ریشه نگذارد و مسلماً هر کس زودستی است
 و ارضی قبول هیچگونه رسوائی و شرمندی نزد خدا
 و خلق نخواهد شد - اینک شرط بلاغ را بحسب
 آرزویم و خدا شناسان را بخدا سپردیم
 از طرف انجمن زودستیان طهران
 خادم نوع کبکخسرو شاهرخ

تنگرانیات

(۲۰ ع ۱ - اول اپریل)

مجلس ملی فرانسه با (۴۲۸) رای مقابل و
 (۱۳۱) امضا داشته که در این سال دست بکار
 ساختن دو جہاز زره پوش شود که بین سه سال
 آماده گردد - وزیر جنگ اظهار داشت که این
 دو جہاز نالی جہازات جدید انگلیس و آلمان
 خواهد بود

تنگرانی موتی که به اخبارات روم از
 ادیس ایپا (رسید) وفات (منلیک) پادشاه
 حبش را تصدیق نمی نماید مرض وی همانطور است
 که بود و مملکت امن است

(۲۲ ع ۱ - ۳ اپریل)

موجب تنگرانی (پترسبرگ) اعضای مجلس
 (دوما) محرکات کمیته صیانت ملکی را امضا داشته ،
 ساختن دسته بلون و خرید ماشین های اعلائی توپ
 خانه را هم تأیید نمود ،

از اسلامبول تنگرانی رسیده که در طرق عبور
 و مرور (اینک) قطاع الطریقان (ایبانی) سرکرده نظامی
 استیصال حکم را مجروح و یک نفر (میجر) را مقتول
 کردند

در روزنامه (روزنامه) تنگرانی ندا که از

تنگرانی (شانس) فرج را حکم نمود تا زراعت تریاک را
 خراب کند ، دهاتین بر آشتیه در (یامین) حاکم
 مزبور را قید ، و جنگ در گرفت . از طرفین ۶۰
 نفر هلاک شدند .

تنگرانی از مصر رسیده که (هاروی پاشا) رئیس
 اداره نظمیة را حین دخول پاداره یک از یهودیان
 آلبانی (که از اقدامات پلیس مخفی از عهده اش معزول
 شده بود) شلیک بروی نموده ، نشانه اش خطا ، مرتکب
 گرفتار گردید .

تنگرانی از عدن رسیده که ملای سوطالی متصد
 فر از قبائل متحده بالنگلیس را مقتول نموده ، و مواشی
 آنها را غارت کرده . قبائل مزبور طرف ساحل
 فرار می نمایند ،

(۲۳ ع ۱ - ۴ اپریل)

تنگرانی از اسلامبول رسیده که (امیر البحر
 ویلس) بجای (سرکبل) مقرر گردید . پادشاه (سرویه)
 وارد اسلامبول ، اعلیحضرت سلطان و وزراء در
 ایستگاه راه آهن باستقبال رفته بودند ،

(مستر روزبولت) وارد (روم) نائب اداره خارجه
 و شرف شهر در ایستگاه راه آهن باستقبال حاضر بودند
 پادشاه (و کتریا مایول) امروز صبح با
 (مسر روزبولت) ملاقات کرد ،

(۲۴ ع ۱ - ۵ اپریل)

تنگرانی از (یاریس) رسیده که (بروفسر دیون)
 اختراعی کرده که نامش (طاق کولی سائین) است و از
 خواص اوست که از امراض مسریه محفوظ میدارد ،
 و فی الحقیقت نوشداروش است که کیمیا گران را خیلی
 نافع است

تنگرانی از (منیلا) رسیده که حسب الحکم
 وزیر جنگ دو نفر ژاپنی را که بجرم جاسوسی
 گرفتار بودند رهائی داده به تبعید محکوم شدند ،

افواه است که راه آهن فرانسه از (تانک کین)
 الی (یانان) تعمیر شده ، این امر بجای در تجارت
 فرانسه ترقی فوق العاده بدهد که سایر دول اروپا که
 در سمت شمال چین در ترقی دادن تجارت جدوجهد
 می نمایند متحیر خواهند ماند ،

مجلس (دومای) روس از میزان تعمیر جہازات
 جدید یک میلیون لیرا کاسته با اینکه وزیر بحریه
 بیان نموده بود که برای حفاظت سلطنت از دیاد
 جہازات خیلی لازم است ،

(۲۵ ع ۱ - ۶ اپریل)

مجلس ملی فرانسه مسوده قانونی برای تعمیر

فروند جیاز از قبیل (دریدنات) امضاء داشت این دو جہاز در مہین سال ۱۹۱۰ مکمل خواهد شد، وزیر جنگ اظهار داشت کہ احتمال حملات زیاد از دشمنان می‌رود و می‌توانند بین ۲۴ ساعت فوج در ساحل فراسہ فرود آرند،

۵ بین (پمو) و (ایتکوبر) خوف جنگ است، بر مسئلہ سرحدی مخافت شروع شد، افواج بری و بحری از خرفن فرام می‌شود، (۲۵ ع ۱ - ۶ اپریل)

۶ حکومت (وکتوریہ) ارادہ نموده کہ بنایے اخراج زغال را از معدن بگذارد، و بقیمت اصل بکارخانجات بفروشد، (۲۶ ع ۱ - ۷ اپریل)

۷ در مجلس اعیان انگلستان (لارڈ کرزن) برخلاف تملیہ (سومالی‌اند) بطی نموده، مشعر بر ایسکہ این تملیہ برای قبائل متحدہ سخت مضر است و از این غلط فہمی ربع زحمت دیرینہ بر باد خواهد شد ۸ ارتجاعیون عثمانی در قبول عوائد جدید عذر آورده، ۲۶ ساعت باقشون دولت در جنگ بودند، قانون فوجی جاری، کمد فرستادہ شد، این انقلاب از طرف مخالفین حکومت شد.

۹ تلگرافات روتر راجع بایران (۲۳ ع ۱ - ۵ اپریل)

بموجب بیانات ہم رسی کہ در پترزبرگ اشاعت یافته اخراج قشون روس از قازانیکہ ہستند جز از قزوین غیر ممکن است، چہ امنیت تا کنون در ایران بر قرار نیامدہ است.

روزنامہ (زیتنگ) انکار می‌نماید کہ دولت آلمان و وکیل دیچ بنک، دولت ایران را دعوت بدادش قرض نموده است، (۷ اپریل - ۲۵ ع ۱)

سر انورد گری وزیر خارجه انگلیس بموجب (مستر لٹکون) در پارلمان اظهار داشت کہ در شمال ایران در چند قطعہ کہ قشون روس بواسطہ نا امنی قیام نموده تصور دست اندازی در استقلال ایران نتواند شد، مشروط براینکہ خارج از شروط مروجہ قدم برندارند، (۹ اپریل - ۲۸ ع ۱)

۱۰ اخبار (ووسپی زیتنگ) می‌نویسد کہ ایرانیان

البتہ قرضہ آلمان را بر عہدہ سفیر روسیہ قبول کردند روس بوانگلیس خویشتن را تبریکہ نخواهند گشتہ مسلم است کہ مصلحتہ دولتی روس و انگلیس من باب جنوب و شمال ایران - مرکز هیچ دولتہ نالی را از معاملات تجارتي با ایران باز نتواند داشتہ (۱۱ اپریل - ۳۰ ع ۱)

دولت ایران دولتی روس و انگلیس را وسیلہ ادلاع داده کہ بہیچ شرطی قرضہ از خارج قبول نخواهد نمود جز بسود و ضمانت، این جوابیہ شرط نامہ استقراض دولتی روس و انگلیس است کہ بدولت ایران پیش نموده بودند.

حبل المتین

از چگونگی این استقراض ملرا کا بلیق اطلاعی حاصل نیست، و ہرگاہ این امر بر حسب دلخواہ ملت و خیر مملکت صوت و وقوع پذیرفتہ باشد، دولتی روس و انگلیس نباید ملامت نمایند، مگر خودشان را کہ تا این درجہ سخت گیری درین موقع نازک بایران نموده و برای این جزئی وجہ میخواستند قبائلہ فروش استقلال ابدی ایران را حاصل نمایند، و مظلون است اگر این استقراض صورت بتہ باشد کای و برای جمیع قروض دولت و اصلاحات لازمہ است، ما چون از چگونگی این افواہ و شرایط این استقراض کاملاً واقف نمی‌باشیم، نمیتوانیم چنانچہ می‌خواہیم دولت جدید را تبریکہ گوایم، ولی چون این مسئلہ باتبع تشکیل یک ہیئت رقابت خارجی خواهد داد و تا اندازہ ایرانیان را فرصت نفس کشیدن از فشار ہمسایگان میدہد دولت جدید را عس صمیم قلب تبریک می‌گوئیم، دو سال است کہ مکرر سیاسیون انگلیس را متنبہ می‌سازیم کہ ہرگاہ پیش از این ایرانیان درین موقع نازک سخت گرفته شود، ناچار برقیب ترانی خواهند کردید، باز ہم تکرار میکنیم کہ قیام قشون روس و انگلیس در ایران جز نفرت اہالی از آنها و زیان سیاسی و تجارتي برای ایشان نخواہد داشت، چہ ایرانی‌ها چشم باز کرده و راہ نجات خویش را ہم سنجیدہ‌اند، می‌بینیم کہ حمایتی بجای انگلیس از روس محبوب القلوب او را کم کم دارد از قلوب ایرانیان میزداید و زبان این حرکات را سیاسیون انگلستان آئندہ ملتفت خواهند کردید وقتی کہ پیر از شہیت رہا شدہ باشید.

(جبل‌المتین کلکتہ) (قیمت اشتراک)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴) (مشارکتی واپس مخصوص سال مقدم دست نباشد)

(سالاہ — شش ماہ) (ذمہ شان بری شناخته میشود)

(هند و برمه) (ناہ مقدسہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان) (کلیہ امور ادارہ با)

(۴۰ قران — ۲۰ قران) (مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(عمانی و مصر) (ہر دو شنبہ طبع)

(۳ مجیدی — ۳ مجیدی) (دو شنبہ توزیع میشود)

(اروپا و چین) (یوم دو شنبہ)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک) (۸ ربیع الثانی ۱۳۲۸ هجری) (سنہ ۱۳۱۱)

المتین

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

مشروطیت ہم دقیقہ از مجبور ساختن دولت در قبولاندن این استقراض فروگذار نکردند، از جملہ قشوق خود شائب را در شمال و جنوب باسم نگاهداری امنیت وارد، و لفظ امنیت را ہم بمیل خود تعبیر نمودند، بنام حفظ امنیت مملکت ما را یک قطعہ انقلاب ساختند، در اختلاف انداختن بین ملت و دولت دقیقہ فروگذار نکردند، در سرد نمودن دست و دل مصادر امور خاصہ سردارین فاجحین طهران کہ چشم و چراغ ملتیناند ذرہ کوتاهی نہ نمودند، در بدنام نمودن ملت بہ بی‌حسی و خود غرضی و عدم قابلیت قامتشان بہ تشریف آزادی ہر اقدامی کہ میتوانستند کردند، بزرگانی را کہ حقوق دولت نزد آنها باقی بود بناہ دادہ وبہ ہمین وسیلہ دیگرانرا ہم جری ساختند و حقوق دولتی را ضایع گذاردند، برای بی اعتباری دولت نزد ملت و عدم مساعدت ملت بدولت آئی توافقی نکردند در مرعوب ساختن وکلا و مایوسی ملت ہزار وسیلہ انگیختند، تاجیکیکہ (جرائد روس کہ جای خود دارد) جریدہ انصاف کس طمس نوشتہ تکبر ایرانیان و کلمات توہین آمیز وکلا در مجلس مورث غضب ملت بزرگ روس گردیدہ و از برای ملت کوچکی مانند ایران عاقبتی خوش ندارد» و نیز روس را نصیحت میکنند «در خوراندن حبوب تاج بہ ایرانیان حبوبش را شکر افشان سازد» و ایرانیان را تنبیه کردہ میگوید «در نوشیدن آب حبوب تلخ بد یک و بوزی ظالم ندارند کہ مزید بر قہر روس شود (استندرد)» وغیرہ می نویسند «دولت جدید مائل باخراج قشون خارجہ نیست» امنیت شمال را از قیام قشون روس جلوہ میدهند و

من لم یشرک اناس لم یشرک الله
بموجب تلگراف طهران محکمہ تمیزیکہ بر حسب امر دارالشورای ملی شہداء ارکانہ و تاکید حضرت اشرف رئیس الوزرا سپہدار اعظم در عدلیہ برای رسیدگی بمرامہ و حکم وزیر عدایہ سابق کہ در حق آقا میرزا سید حسن مدیر یومیہ جبل‌المتین صادر شدہ بود تشکیل یافت و بر بی گناہی آقا میرزا سید حسن حکم و با کمال سہد روی مرخص و انشاء یومیہ جبل‌المتین ہم آزاد گردید۔ ما شرح واقعہ را پس از وصول مکاتیب خواہیم نگاشت۔ فقط درینموقع تشکر خود را بہ پیش گاہ مجلس مقدس ملی و حضرت اشرف سپہدار اعظم رئیس الوزرا تقدیم می نمائیم۔

مقاصد ہمسایگان در بارہ ایران
اگرچہ شروطی را کہ دولتین روس وانگلیس برای این جزئی استقراض بدولت جدید پیش نمودہ مکرر نوشته و بحث در آن نمودہ ایم ولی اینک کہ شروط دولتین روسی اعلان یافته بی مناسبت نخواہد بود کہ شمشہ درین موضوع بسط مقال دہیم بدوا باید دانست کہ مسئلہ استقراض توام و خواہش دولتین ہمسایہ و دوستاران با حقیقت ما تازکی ندارد، یعنی از سنوات اخیرہ مظفرالدین شاہ تا کنون سعی اند و از بعد مشروطیت ہم کہ در مجلس مقدس علنی گردید، فشار ہائیکہ در آب دورہ بہ ملت و دولت در قبولاندن این استقراض توام آوردند هنوز دانایان فراموش نکردہ اند، تا جائیکہ مجلس مقدس بجرم عدم قبول چنین استقراض منہدم گردید، دردورہ استبداد صغیر ہم با آنہم بی و آوشی بیداری ملت موقع قانون برای

« اگر ایرانیان در اخراج قشون اجانب بی‌مزیکی کنند عیناً اوضاع مصر در شمال و جنوب ایران پیش خواهد آمد » ببارت ساده این دایگان مهربان‌تر از مادر میگویند ما ولی و قیم شایم، ایرانیان باید از روی ایقان خود را بی‌مدرك و مسخیر تصدیق نموده لب بسته و دست بروی دست نهاده آنچه میگوئیم و میکنیم آمانا و صدقاً گویند، باینها هم اکتفا کرده برای مزید مرعوبیت ما و قبول فرمایشاتشان رحیم‌خانها را محرك شده که بقتل و غارت و تهب اموال و ناامنی طرق مشغول شوند، خودشان ز راه مهربانی مصمم دفع آنها می‌شوند و دولت را مجبور می‌سازند که درین حالت دست تنگی قشون بسروبی اشراک گسیل دارد و مجبور باستقراض شود تا برای مصارف آنها هر شرطی که دوتین پیش نیاید بی‌درنگ قبول کنند، این بود اقدامات داخله‌شان از طرف دیگر همسایگان مهربان ما دول متحابه خویش را از همراهی مالی بایران منع نموده ابواب چاره را از هر طرف بر ما مسدود داشته‌اند، چنانچه يك از جرائد با شرف‌آراد فرانسه مینویسد «وضع کنونی ایران قابل ترحم است. دولت ایران بواسطه حفظ امنیت داخلی خود که بادی بر حیات استقلال اوست محتاج بیک جزئی استقراض شده، ولی افسوس که ما بواسطه اتحاد دوتین روس و انگلیس با آسمان رابطه و دوستی قدیمه که با ایران داریم، درین موقع نازک نمیتوانیم با ایرانیان همراهی نماییم، با اینکه میدانیم درین موقع عدم همراهی ما بایران زیان سیاسی و اقتصادی در آتیه برای ما خواهد داشت. ما میدانیم در وسط آسیا ایران عنقریب ترقیبات محیر العقول خواهد نمود، و این جزئی احتیاج او که ممکن است یکی از خیرین فرانسه اعانه دهند و بر او از طرق باز نخواهد داشت، باین همه چه توانیم نمود که اتحاد بادوتین ما را ازین همراهی جزئی هم بایران ممنوع میدارد » این حال دولت قوی شوکت فرانسه است سایر دول کوچک که در مقابل دوتین حرثت پیش قدمی ندارند، علاوه بر این دوتین روس و انگلیس در بی‌اعتباری ما در خارج و داخل نیز دقیقه فروگذار نه نموده، و نمی‌نمایند چطور؟ مثلاً از یکطرف بقسمی انقلاب در داخله مملکت انداخته که دولت ما را هماره مبتلای بسوق عسک نموده‌اند، که دولت بوقوع اصلاح مالیه خود را

نیاید، از طرف دیگر بذرایع جرائد مختلفه در بدنام نمودن و بی‌اعتبار کردن و نمودن عدم استقلال ایران دقیقه فروگذار نکرده‌اند تا خارجه به تأیید مالی ایران برنخواستند و ایرانیان نتوانند برای اصلاح امور خویش از خارجه تأیید حاصل کنند، از همه بالا تر بدون هیچ ضرورت قشون خود را در نقاط مهمه ایران گذارده با انقلابات داخله و سازش با اشراک امنیت را از مملکت معدوم می‌سازند تا بدین وسیله قرضه داخلی هم برای ایران غیر میسرور باشد، ظاهر است مملکتی را که دول خارجه نقاط مهمه او را تحت سلطه عسکری خود آورده باشند و در هر آن خوف زوال استقلال او برود کدام دولت خارجی قرض باو خواهد داد و بجه اعتبار واطمینان نزد ملت خود دست باستقراض دراز خواهد نمود، چه شد مواعید روس و انگلیس که پس از امنیت مال و جان اروپائیان روس قشون خود را عقب خواهد نشاید؟ آیا کسی میتواند بگوید که مال و جان خارجه در ایران غیر مأمون است؟ آیا میتوان گفت که در هیچ وقت ایران با امنیت امروزی بوده است؟ آیا روسیان میتوانند بگویند که امنیت روسیه از ایران پیش است؟ آری همسایگان با میگویند در هرگونه تصرفات ما شاکر باشید و از شمیر هائیکه بفرق استقلال وطن شما میزنیم اف نکواید، ورنه ما رنجیده خواهیم شد، گویا هنوز مرعوبیتی که آل قاجار در یکصد سال در قلوب ایرانیان جوی داده و ما را باین روز سیاه نشانده کافی تصور نه نموده، با سخنان تحدید آمیز مزید مرعوبیت ما را خواستگار اند، میگویند ایران باید روس را دوست خود قرار دهد و این دوستی باین قسم حاصل می‌شود که نام روس را با صلوات ذکر کنند و هرگونه تکالیف او را گردن نهند، آنوقت برای ایران چه نتیجه حاصل خواهد شد؟ همان نتیجه که امپراطوری کوریا را حاصل آمد، همان نتیجه که امیر بخارا و خوانین ترکستان را حاصل شد

عجبا که همسایگان با شتم تکلیف نهمی با مینمایند میگویند تجاوزات ما را درین مداخلتهای مسلحه نهمید و این تکلیف محال است که بایرانیان می‌شود ایرانیان مقاصد همسایگان خود را پیش و پیش از

دیگران فهمیدند، صفحات جعل المقیس موجود است که از بحال باین طرف صد نوبت مقاصد همسایگان را ظالم داشته نتیجه عقد اتحاد دولتین را آفتابی کرده است، همسایگان میخواهند با بنه ایرانیان را سر به برند، تمام هم شان این است که يك قرضه توانمی بخلق ایران ریخته بذریعه شرایط آن استراض ایران را بدتر از مصر و استقلال او را محو نمایند، از بعد امضای عهد نامه روس و انگلیس هر روش شطرنجی که همسایگان اختیار نموده بادی الطرشان همین نقطه بود، است، اگر در دوره اول، مجلس مقدس این قرضه توأم را امضا نموده بود هر آینه منهدم نمی شده قشون روس وارد ایران نگردید مگر برای قبولاندن این قرضه توأم، رحیم خانب و مخالفت دولت برینگیختند مگر برای مجبور ساختن مجلس و کابینه وزرا باین استراض، توأم روسها قشون خود را در ایران نگاه نداشته مگر برای ریختن این استراض توأم بخلق ایرانیان، انگلیس ها تا این درجه راضی بخلاف مسلك صد ساله خود شده اند تا بذریعه این استراض با کمال سهولت بمقاصد خود در جنوب نائل گردند، امروز اگر دولت ایران گردن بشرايط استراض گذارد فردا قشون خارجه از ایران بیرون می رود، برای اینکه شروط این استراض بقسمی است که استقلال ایران را برای همیشه محو می سازد، و از مستعمرات روس و انگلیس اش قرار میدهد، در آن صورت دستچاچی دولتین همسایه در بلع این نعمه لذیذ تبدیل به تائی خواهد شد، خوب است برای اثبات این مدعا اشاره بچند شروط استراض هم بشود که جواب ود آن را از دولت ایران یافته اند و بحمد الله به برکت همت تجار آذربایجانی و غیرت سایر تجار ایرانی در رفع احتیاجات فوریه باستراض ملی نائل گردیدند

شرایط استراض دولتین

(۱) مالیه ایران بریاست وزیر مالیه و عضویت چهار نفر ایرانی و دو اروپائی نوکر ایران (یعنی یکی رومی دیگری اسکلیسی) و هفت نفر فرانسه جدید باشد. و آنچه را این هیئت امضا نمایند دولت صرف تواند کرد نه غیر آن. هیچ لازم به تشریح نیست که این شرط بدو قلم نسخ بر مشروطیت ایران کشیده و مجلس مقدس ملی را که از خواص آن نگرانی بر مالیه مملکت و امضای جمع و خرج است مهمل و معطل میداود یعنی این از قبول مجلس حیسب

اختیارات خود را باین هیئت چهارهنگامه می سپارد و چون این هیئت به مشوره باید کار کنند، رأی وزارت مالیه و چهار نفر ایرانی دیگر در جنب رأی نه اروپائی که دو نفر شان روس و انگلیس و هفت نفر فرانسویانند که بدین ذریعه گویا روس و انگلیس نوکرشان گذارده قابل الاجرا نخواهد شد، و جمیع اختیارات بمصارف مالیه ایران منوما. برای همان دو نفر روس و انگلیس خواهد بود، در آن حال هر مصرفی را که آنها معین کنند مالیه ما صرف خواهد شد، و هیچگاه موقع نخواهند داد که دیناری دولت ایران صرف اقتدار خویش نماید تا در آینه خود را از چنگال آنها بتواند رهائی بخشد، نکته که از همه باریک تر میباشد این است بعد از آنکه مجلس این شرط را امضا داشت و کنترولی خود را باین هیئت سپرد بهیچ وجه دیگر حق مداخله در مصارف مالیه نخواهد داشت این هیئت بقسمی سلوک خواهند نمود که هماره خزینه ایران خالی و هشتمان گرو چهار باشد، هر قدر بر عائدی مملکت افزوده شود بقسمی خرجهای بی هوده خواهند تراشید که هیچوقت دولت دارای اقتدار مالی نشود و همیشه اختیار مالیه دولت باین هیئت سپرده شد. دامنه استراضات را بطرق متنوعه و ایسای مختلفه بقدری وسعت دهند که تا چشم بهم زیم دارای بجاه ملیون استراض ماث نموده باشند، این جزئی وجه که موضوع بحث است فقط برای بند کردن ناخن است و همین قدر که ناخشان بند شد راه توسعه استراض بدست خودشان است، نمونه برای عبرت ما بهتر از مالیه مصر نیست که از کجا بکجا ترقی یافت ولی روز بروز براستراض او وضعف دولت افزود و قیام قشون غنیم را مستحکم ساخت، حرف این است که در مصر يك دولت بود در ایران دو دولت دست درکار می شوند گویا خرابی ما در قبولی این شرط دو گونه مصر خواهد بود

(۲) مشاق قشون محافظ امنیت دو جنوب و شمال بابد روس و انگلیس باشند - ظاهر است که باین شرط هم کلیه قوای دولت را بطریق تجزیه دولتین درید اقتدار خود قرار میدهند، نتیجه آنها از مشاق قرائن معلوم است که مالیه ما

کرور از هر جهت درین اداره خرج نموده و هزار و هشتصد نفر دشمن وطن پروریم

(۳) با اینکه محو استقلال ایران را این دو شرط کافی بود باز هم محض مزید سهولت، اولویت امتیاز راه آهن شمال و جنوب را نیز جزء شرایط این استقراض قرار داده اند، هیچ لازم نیست بیان نمایم که پول دست خودشان قشون دست خودشان، امتیاز راه آهن هم با خودشان، آنوقت شاهنشاهی ایران ترقی و مشروطیت ایران خیلی نضج تواند گرفت

(۴) ظامرا این شرط اختصاص بروس دارد یعنی انحصار کشتی رانی در دریاچه ارومیه. علاوه بر اینکه این امتیاز و انحصار خیلی منافع اقتصادی برای روس دارد یک ملاحظه بسیار دقیق یلتبکی هم درین امتیاز ملحوظ است که رموز دامان سیاست را منظور نیست و عرض اصلی آن است که چون مسئله امتداد راه آهن بعد از ایران برای آسیای صغیر هم در پیش و این الحاق باید از حاکم ارومیه و سواحل هم دریاچه بشود ظاهر است که با آن شرایط اوپه این امتیاز و انحصار هم که افزوده شود سدی عظیم دو جلو خیالات آلمان و راه های آهن بغداد و آسیای صغیر خواهد کشید، علاوه هم تمام مقاصد اوپه آنان در ایران است چرا که بهمن انحصار و امتیاز از طرف آسیای صغیر (که قوی عثمانی جمع همه گونه تهدید بروس تواند نمود) خط فاسی با ایران میکشد و رفته رفته این خط را بسایر سرحدات عثمانی تا قصر شیرین ممتد میدهد انگلیسها هم بمناسبت برخی امتیازات در عربستان نمود سرحدی را ناقص ممتد دارند، در آن صورت نتیجه این می شود که گویا مملکت ایران از محاذ بودن با عثمانی منفصل میگردد یعنی مملکت ایران محاصره می شود با روس و انگلیس و همین مواعع منصوره حرجه برای دولتین در امور ایران بکی مرتفع میگردد. و آنچه درین موضوع نگاشته آمد حسی وقابل الاسکار نیست

حالا ما از ارباب وجدان اصناف می طلبیم ایرانیان هرگاه روی خاطر از استقراض دولتین گردانده و پای دولت نالی ما بچایب آوند چه بختی کرده اند؟ اگر این شرایط که جلالت با ضحک جلال و تقسیم قشون و ترک استقلال را بدهی بایمان میاید بچند

میدادند موافق عقل و قفسر کرده بودند؟ آیا در این معامله قابل ملامت انگلیس و روس اند که این گونه شرایط ممتنع القبول را پیش کرده، یا ایرانیان که زیر بار رفته اند، درین بر محبوب القلوب انگلیس که در سایه حیاة روس بر مذوری خویش در ایران می افزاید واقعه که امروز پیش و زمزمه که فعلا در میان آمده سالها است به آواز بلند جبل القین همسایگان متجاوز ابرار را متنبه نموده و با یک صدای رعد آسا آن ها را تهدید می نمود، سیاسیون فقط نتیجه را می بینند نه اقدامات جسورانه ابتدائی را، باز هم با آن حس دور بین، سیاسیون روس و انگلیس را متنبه میسازیم، که تا کنون انجمنه دو رقابت اقتصادی محدود است، هرگاه باز هم از آن مقاصد فاصده که در باره ایران دارند باز نیایند همین رقابت اقتصادی منجر بر رقابت سیاسی خواهد شد همسایگان ایران بدانند که ایرانیان فهیجده تکلیف نهی بر آنها نمایند، و از حقوق دوستی و مجاورتی تجاوزه نکنند که ایرانیان هم مجبور به ترک دوستی آنها شوند

غور باید کرد که وضع امروزه ایران غیر از دیروز و سلوکیکه سه سال قبل بایران میشد و تکالیبی که در دوره استبداد بایرانیان می نمودند امروز نمیتوان کرد تحمل و برد باری ایرانیان را نباید عنیمت دانسته تا این درجه بر آنها تاخت، همسایگان یقین بدانند که تحمل ایرانیان تا درجه است که با آزادی وطن و استقلال ملی شان خلل وارد بیاید، و هرگاه تجاوزی بر این دو ماده شود، مرعوبیت ایرانیان بجلادت و تحملشان به نا شکیبائی تبدیل شده بمقابله هر دولت و برابری هر ملت بر خواهند خواست، و از خون خود و دیگران جویها جاری خواهند ساخت، صد بار نوشته باز هم مینویسم که هر دولت که بمحقوق استقلالیه و آزادی ملیه ایرانیان تجاوز نماید صد ملیون خساره و جنگ می ساله را برای خود دعوت کرده، و بر فرض محال که شاهد فتح را هم در آغوش کشد جز خسران سودی نتواند برد چه وضع سیاسی و مقام اقتصادی ایران امروزه بقدری اهم گردیده است که در قبضه یک کف از خاک ایران دریای خون در اروپا جاری بوند گردید

ترقی اسلام تزل روس است

بلکه ترقی اسلام باعث تزل روس است استقلال
اسلام سبب انقراض روس است ، سعادت اسلام
مورث فلاکت دولت شاهی است، دولت شاهی آشکارا
می بند یک رشته منته از اسلام بترکستان روس
حسن میکند، یک رابطه منویه از اسلام بکرجستان
روس درک میکند، یک علقه جذب از اسلام قفقازیه
و ارمنستان روس مشاهده می نماید ، نفوذ احساسات
اسلام در تمامی مملکت روس خود را در تحت
پاره انقلاب واقراض می بندد، روس هلاکت خود را
در سعادت اسلام ملاحظه میکند، اگر امروزه روس
لشکر خود را ملاحظه علقه دوستی و همومی از مملکت
اسلامی ایران برگرداند ، مجرد ورود قوه نظامی روس
بمخاک روسیه ایلاب و شورش از هر گوشه مملکت
سر خواهد کرد. امروز تمام شناسر قوه سلطنت امپراطور
بایک طرز طبیعی لرزان است، و اساس مملکت داری
روس با یک آواز حزین زمره خواق ، در زیر
هر سنگ سروشی و درین هر درخت خروشی است،
روس اتباع خود را با قوه نظامی در مملکت اسلامی تحدید
میکند، اگر اتباع روس فهمند که بلیتیک روس در
مملکت اسلامی کارگر شد و تیرش بسنگ خورد تار و بود
روس را از هم می گسلاند و خاک امپراطور را بپاد
میدهند، مگر اتباع روس از روس چه توقع دارند
بعضی استقلال و بعضی حریت طلب دارند ، بی
کرجستان استقلال می خواهد، ترکستان استقلال می خواهد،
قفقازیه استقلال می خواهد، داخل مملکت حریت و
منسروطه می خواهند، هر روز آواز نیکولائیات از
کرجستان سامع امپراطور را زحمت میدهد و فریاد
استقلال از ارمنستان سماخ نیکولائیات را منجر می سازد،
صدای وعد آسای بومبهای فرقه سوسیالیست و کرجی
از هر طرف مملکت مانند توبهای ژابون در فضای
استبداد آمیز روسیه قوای امپراطوریان را مرتعش
و هراسان می نماید ، عزت و افتخار امپراطور و
امپراطریس را چون (ایودولقی) امپراطور فراسه
لوی شانزدهم و ملکه اش (ماریا آشو انتیا) بروز
ذلت سختی تحدید میکند، نزدیک است که فرقه السابیت
برود و آزادی خواه کرجی امپراطوریان بر ضرور
و با دیده یز او اشک ندامت و سیری سنگین از
انگشت نه خطرات قذافت شاهان با قلوب

نطق های آتشین سیئات اعمال آنانرا دلیل باللائشان
شمارند و (مارات های نوعی) وکیل دهاتیان کار
امپراطوریان را بسازند، واقفاً چه صباح تیره و سختی
خواهد شد مر امپراطوریان را ، بی امپراطوریان
امروزه آب را در کوزه و آفتاب را در روزنه
دیده می خواهند شرف و استقلال مملکت اسلامی
ایران را در زیر پای منحوس بگیرند ،

بدیهی است اسان هیچ وقت بر هلاکت خود تن
می دهد امپراطوریان مسلوبیت خودشانرا در استقلال
مخاک اسلامی مشاهده میکنند و می خواهند قوه نظامی
خود را از مملکت اسلامی ایران بیرون برند
ولی غافل از آنکه حرکات ماگوار و مذبحخانه
روس عاقبت اسلامیات صلح طلب را مجبور
می نماید که یک مرتبه دوستی و رسوم را پشت پا زده
و امپراطوریان را چشم براه استقلال گذارند ، و
با امپراطوریان نشان دهند آنچه را که ژاپونیان با نیرت
نشان دادند روس بخدایش ما چند دسته قوه نظامی
مسلمانان ایران را مرعوب می سازد غافل از آنکه
خویشتر را منفور میکند، ایرانیان قوم خیلی قدیمی
هستند شش هزار سال است در عرصه روزگار باج گیر
و تاج گذارند، ایرانیان دایراند، ایرانیان غیوراند،
بی روس نمی خواهند بخوشی از ایران بدرود غافل
از آنکه مهدی و سنگ ابدی او را طرد خواهند کرد
بطوریکه انقراض امپراطوری را از ایران زمین
سوقای رود، عجیباً هیچ تصور نمیکنند که از این
حرکات مجنونانه چه عاقبت های وخیم را دو چار
خواهند شد

آیا فکر نمی کنند که چه ثمرات مضره در
مزارع استقلال روسیه میکارند ، سلطنت شش هزار
ساله ایران نه چنان حب وطن را بر ایرانیان یاد
داده که بتوان باین حقه بازیها این معنی را از سر
ایرانیان بدر برد، و در این سه سال انقلاب نه چنان
چنگال استقلال و شرف ملیت در اصل و ریشه
ایرانیان محکم شده که بتوان باین گریه و قصایبها
ایرانرا نصاحب کرد، بی پیش از سه سال امپراطوریان
می توانستند با دنی خواهشی ایرانرا بران کنند، ولی
(آن صبو شکست و آن چاه ریخت) سبحان الله چه
انگازة غریب و عجیب است

را گرفته که سکوت ایرانیان را در این مدت هفت ماه غفلت فہمیدہ و شش دانگ می‌خواهند کلاه از سر ایرانیان بربایند و چگونه صبوری جوانان با شرف را خواب خرگوشی فرض کرده که این قدر به تہجری افزوده و یا شکیبائی آذربایجانیان را جبین دانسته که خودشانرا بیک سوار میدان رشادت دیدہ و اسب درصفت مملکت‌گیری و کبکستانی برانگیخته‌اند من نمی‌توانم تصور کنم حال اسف‌انگیز روسیان را اگر عشایر و ایلات غیور اسلام و ایران پرست از این خیال خام روسیان با خبر شوند ، نمی‌دانم روسای مملکت چگونه جلوگیری از انوارد و اکراد مردمانه خواهند نمود، فجاج حال روسیان ملول می‌سازد، ایل شامسون و قشقائی و بختیار نہ چنان غیوراند که بتوان آنان را ساکت کرد، فجاج طاقت مسابہ مکدرم مینماید، عشیرہ سنجاب و گلہر نہ چنان دلیراند که بفلوپیٹ و مقهوریت مدعی قانع شوند. افسوس که از این حرکات مجنونانہ روسیان آن قدر نماندہ که راز درونی فاش شود آنوقت امپراطوریان خواهند دید آنچه را که از ژاپونیان دیدند ، عجب امیراضوریان تا چه اندازه خودرا از سیاسیون دیپلوماسی عالم تصور کرده که می‌خواهند با یک نقشہ بلبتیک کہ اساس جز از بخارات پیالہ‌های و نقایست با ایران و اسلام کله زنند و با شرق شاخ گیرند، مگر نمی‌دانند بر فرض استحکام بچہ تعدی خود در ایران راداران اسلامی ما ایرانیان عثمانیان دود از کله سیاستشان خواهند در آورد و یا دیگران تحمل نخواهند کرد کہ روس حقوق آنان را در زیر پای چاپلوسی پیاہل کنند ،

بدین است ملت انسانیت پرور انگلیس نمی‌تواند زیادہ از این بعنوان اتحاد ضد بلبتیک خودرا دیدہ و دندان بر جگر صبوری گذارد، خود انگلیسها بہتر میدانند کہ امپراطوریان با سم دوستی در چه خیال‌اند و در کدامین رشته حرکت میکنند، کان ندارم احدی از سیاسیون درک نکرده باشد کہ روس در چه راه سیر دارد. بل روس می‌خواهد در قوس نیم دایرہ یک تیر بر سه نشان زند و بلبتیکات بوسیدہ پطر کبیر را بکار برد، ولی باید دانست کہ حکم امروز نہ امروز است بسا پیلہ دپروزی امروز قزہ کند و شاه امروزی فردا ملت آمد، روس

می‌خواهد از ایران بہند راه پیدا کند و تلافی ژاپون را از انگلیس نماید، ولی انگلیسها از این افکار نا فرحام ہر روز ہزاران مادہ در لای اوراق سیاست خود سیر میکنند، و ہر شب تصرف سنت پتر-برگ را بخواب می‌بندند، ہندوستان بانگلیس نخواهد ماند تا روس دندان مطمع تیز کند ہندوستان صاحب دارد و در ضمیمہ بطالت استمداد مادی تکمیل میکند و عنقریب در سراغ کم شدہ خویش برمی‌آید اگرچہ من نمی‌توانم احساسات وجدانی خودرا دربارہ حرکات مجنونانہ روس ادا کنم، ولی جدآمی‌گویم کہ روس با تمام قوت تپشہ بر ریشہ خود میزند الآن خون جہالت احداق برازشرارت امپراطوریان را گرفته و جز از حسن اجراء خیالات خام در محصہ دماغشان موقع تصور بارہ از نتایج اعمال ناگوارشان نماندہ ولی نزدیک است کہ دماغشان از غرور حلی و ر فساد بلبتیکات بوسیدہ خود حالی شود، اگر ایرانیان در حکم امروز محض ملاحظہ دوستی دست بروی دست صبوری گذارند و تحمل حرکات دلخواہ روس را نمایند طاقت بخت بیدار و اقبال ایرانیان کمر بر اقراض مسابہ خواهد بست و برق احساسات اسلامی لیکہ بر تحریکات امپراطوریان را خواهد شکافت و مہلت نخواهد داد کہ افق استقلال و آزادی ایران از بخارات کثینہ روسیہ تیرہ و تار و هوای جان فزای ایران از تناسات وحشیان عنف گردد، مگر امپراطوریان بیدار نشدند کہ محمدعلی میرزا طفل طبیعت را چگونه در مقابل آزادی خواهان تراشیدند و چہ سان اوارہ و سرگرداش نمودند ، و رحیم خان دزد و شریر را آراستند و قضیہ جان‌گداز اردبیل و قرچہ داغ را پراستند و چگونہ مغلوب و حیرانسان ساختند، ہموطنان غیور تصور نکنند کہ در این مدت انقلاب جنگ خانگی و نزاع داخلی داشتند، نہ نہ، این تصور غلطی است، با روس وانگلیس دعوا و سرکار داشتند و سبب اصلی و علت اولی روس بود کہ میخواست جراج سعادت ایرانیان را بف کند طاقت ریشہ سوخت

ای ایرانیان با شرف و ای دلیران با غیرت دگر وقت آن رسیدہ کہ ہوسختم موہوم را کنار گذارید و امپراطوریان جلالت خودتان را نشان

دهید و برمدی روبا طمع خود امالت و استحقاق خودتان را ظاهر کنید، مردانه بجوشید و آزادانه بکوشید و عوض محبتهای فرقه غیور کرجی را ادا نمائید شما همین مجامدات جوانان دلیر کرجیاید که محض برای المسابقت از خون رنگین و سنگین خود دو سر وطن عزیز شما گذشته و امروز چشم براه شما باند، و توقع همدستی دارند که تا حقوق و استقلال پایمال شده خود را دریابند، شما باج گیر و تاج گذارید و با قوه همدستی همسایه را منقرض و بکرجستان تاج استقلال گذارید و دوباره تاریخ شرف را تجدید و باسم خود ختم کنید

(میر محمد تقی زاده تبریزی)

نگاهداری ایران ایرایانند

اگر در تواریخ ملل و دول بدقت ملاحظه و در اخبار آنان غور نمائیم بخوبی آشکار خواهد شد که شرف و استقلال و دلت و دوال هر قوم و ملتی بسته بخودشان است، هرچه پیشتر در حفظ شرف و نگهداری استقلال سعی نمود قوت و شوکت آن فزون تر شد و هرچه از این فداکاریها کوتاهی ورزید دلت و خواری او بیشتر گشت، و در صورت نفع، کوشش در این راه مشروع و امر مهم ملی احدی در خور تمجید و سزاوار تحسین نیست، و در صورت کوتاهی و عنایت هیچکس را ملامت نشاید جز خود آنان، خودشان حفظ استقلال کردند و خودشان استقلال خویش را از دست دادند، دولت اسلام در حیل اول با آن قوت و شوکت رسید مگر بعد از اینکه از هیچ گونه فداکاری در این راه ابا نکرد، بجان و مال شرف و استقلال خود را خریدار بود، تا رسیده بجاییکه رشک تمام دول عالم گشته و صیت قوه و آوازه شوکت آنان صحنه کره را فرا گرفت، و پادشاهان جهان از ترس و بیم خواب براهت نمیکردند

بلی ترقی که دولت اسلام در مدت سی سال نمود تا کنون هیچ دولتی نایل نشده و نخواهد شد و این ترقی سریع محیر العقول نبود مگر بجهت فداکاریهای صادقانه و خدمات اسلام بستانه آنان و کوشش در این راه مشروع، هر یک از افراد مسلمانان در آن زمان حیات ملت خود را بجان عزیز خویش خریداری نمیکردند و احوال قوم و خویش را

شخصی خود حفظ نمیکرد، اگر يك جان فدا کرد هزار ها جان برافروان مسلمانان خود را خریدار شد یا اگر مال خود را بذل نمود اموال مسرور ما مسلمانان خود را خریدار کردید، یا اگر مال خود را بذل نمود اموال مسرور ما مسلمانان را نگهدار و نگهداری کرد، بلی این است معنی حسب استقلال، این است اسلام برستی (ای جان فدای همت های بلند) بلکه (جان عالی فدای این جان بازان اسلام پرست وطن دوست) ملل متمدنه عالم باین مقام عالی فائز نشدند مگر بواسطه فداکاریهای عالم پسندانه خویش، هر کدام بخوبی آگاه شدند که مملکت خانه خودشان است، عزت و استقلال خویش هانا منوط است باین خانه، پس با تمام قوای خود از وطن و مملکت خود دفاع کردند و تمام کوشش خود را در حفظ شرافت و نگهداری استقلال خویش بذل نمودند

اگر تاریخ انقلاب و اصلاح دول اروپا خصوصا امریکا و فرانسه را از نظر بگذرانیم بخوبی خواهیم مشاهده کرد که در زمان انقلاب از هیچ گونه فداکاری دریغ نمودند و وطن خویش را حفظ کردند و دست اعیان را از دامن عصمتیهای خود کوتاه ساختند و مشوقه دلربای خود هرچه مهربانه و صدق خواست دادند، در زمان حرکت اردوی مظفر و ادران احرار عثمانی بسر کردی (محمود شوکت پاشا) اهالی غیور آت اطراف هرچه ثروت و مالیه داشتند تمام را تقدیم کردند و در صندوق های بنک گذاردند تجار و ارباب ثروت عرض حالی تقدیم داشته که ما ما بطلب خواطر متعدد مخارج اردو های فاتح میشویم، آن را در مرد غیور وطن پرست قبول نفرمود و خود متعهد شد، ای هموطنان این وقایع تاریخی در خواب اتفاق افتاده یا در بیداری، ماها خواهیم یا بیدار، نه، خواهیم و الا تاسی بانها میگردیم، و همان راهی که آنها پیوند میبودیم، اگر بخوایم تفصیل خدمات ملل عالم را بدولت های خود و امانه های آنان را بملك و ملت خویش شرح دهم دفترى مطول درکار دارد، و این لایحه گنجایش هزار يك آن را ندارد، ای ایرانیان حال هنگام همت و وقاست! چند - جهت ایرانی بکارت اسلام پرستی خواهیم، بیداریم،

چه بلای و حادثه ما را در کین یار، نمیدانیم
 رقبای قوی بجه همسایه های ما میخواهند وطن ما را
 ربایند. استقلال ما را سلب نمایند. زبردست و جیره
 خور خود کنند. بلکه دین و دنیای ما را بپزند، ای
 بدبخت ایرانی! ای بیصاحب ایرانی! چه خیال! دشمنان
 درباره تو دارند و تو هشیار نمی شوی! گویا هیچ
 خبری نیست چه گونه راضی توان شد که اجانب
 ناموس های ما را کنیز و اسیر سازند. و مردان ما را
 مردور و بوکر و جیره خور نمایند. نمیدانم این چه
 خوابست که از این همه صدا های رعد آسای
 هونك وحشت آمیز بیدار میشویم. دولت حالیه که
 هزار ها خون جگر و تلف نفوس و اموال و
 اعراض استوار شد بجه اصلاحات بوریه مملکتی
 مجبور است تحصیل چند ~~کرور~~ بول. اگر ملت
 غیور ایران از داخله و خارجه قرض یا اعانه بدولت
 خویش ندهند و جان و مال و استقلال خویش را
 بخرید و سعادت ابدی خود را حافظ نشود ناچار
 قرض از خارجه خواهد شد و بحسب مقتضیات حالیه
 دولت میتواند از هر کمی قرض باید. و آن هائیکه
 قرض میدهند عرضی جز سلب استقلال ما ندارند
 و این استراض که بجه اصلاح میخواهند جز زوال
 دولت و سلب استقلال ملت سودی نه بخشد. دولت
 چه حلی خواهد داشت اگر قوای حربیه و مایه
 در تحت نفوذ آنان آید. ایرانیان را چه حل خواهد
 بود. و آنان با ایرانی چه خواهند کرد. شاید از
 اوضاع و حرکات حایه آنان خوانندگان محترم رفتار
 و گفتارشان را بدون تامل در آتیه درینند. چه
 ضرر دارد که در هر شهری صندوق اعانه افتتاح
 شود بنطارت چند نفر از تجار و اعیان و موثقین
 و هر یک از ایرانیان بقدر قوه و استطاعت خود
 اعانه بدهند. هر یک دو تومان بلکه یک تومان بلکه
 بیح قران در مدت یک هفته بلکه یکماه بلکه دو
 ماه. جندی بگذرد ~~کرور~~ ها جمع خواهد شد

از ملاحظه شماره ۱۴۲ و ۱۴۴ جریده فریده ایران نو
 تا امیدی بامید واری مبدل گشت و از قرائت لایحه
 تجار محترم که پیشهاد مجلس شورای ملی شیدالله
 ارکانه نموده بودند و از نطق جناب وطن پرست
 میرزا حسین خان کسما، روحی تازه در این قالب
 مرده مشاهده کردم (زنده باد تجار ایرانی، زنده

باد خیر خواهان اسلام)
 چه قدر سزاوار است که تجار و خیر خواهان سایر
 بلاد داخله و ایرانیان خارجه باین اسلام پرستان قاسی
 نمایند و در صد استخلاص مملکت خویش بر آمده
 و احتیاجات دولت خویش را سد نمایند و خود را
 قرین خیر خواهان عالم و وطن دوستان مالی کنند
 و نام خود را زینت بخش تواریخ فرمایند. چند ماه
 از ترتیب صندوق اعانه بجه قوه بحریه و تکمیل
 تواقص جهازات جنگی نگذشته که از همت برادران
 احرار عثمانی فوق پنج کرور ایرا جمع ۲۵۵ کرور
 تومان) و اعلیحضرت سلطان حقوق سلطنتی خود را
 یکماه (۲۰۰۰۰) ایرا تقدیم صندوق اعانه فرمودند
 صاحب منصبان اردوی اول مواجب یکساله خود را
 دادند، دختر کاظم افندی نجمات خود را بجه اعانه
 داد. هنوز طوفان پاریس فرو ننشسته که پنجاه هزار
 ایرا برای مصیبت زدگان سیلاب اعانه جمع شد (باب)
 رومیه بیست هزار، امپراطور ده هزار فرنك دادند
 در لندن و غیره جمع آوری اعانه میکنند. از
 طرف پارلمان (کانادا) ده هزار ایرا برای اعانه
 مصیبت زدگان پاریس بوزیر خارجه فرانسه رسید.
 کابینه پاریس از پارلمان تقاضا کردند که بیست میلیون
 فرنك برای غرق شده گان تصویب نماید، ایرانیان
 هم بمحذافه شاه دارند وزراء دارند و کلاه دارند
 اعیان دارند. تجار دارند. خیر خواه دارند، آباروزی
 بیاید که یاد خیر ایرانیان را در صنعت روزنامه
 های خارجه و داخله بخوانیم و دشمنان آنان از
 عبرت و حجت آنها سخن رانند. و فعلا جمی از
 فضلاء و علماء و تجار در عتبات عالیات در صد
 شده اند و شاید عنقریب انشاء الله اثرات خیریه آنها
 بنظر خوانندگان محترم برسد

(آقای صدر زاده - سید صدرالدین)

مکتوب پاریس

بعضی از مفسدین ایرانی سخت در کار و در
 تقنین هستند، دو کتر جلیل خان از قرار اعتراف
 همراهانش دیوانه شده صبحها چرس کشیده و بخندای
 خود هم ناسزا می گوید، چند روز قبل با چند نفر
 دیگر منزل سعدالدوله رفته و نسبت بیادشاه معصوم
 و اولیای دولت آنقدر ناسزا گفته است که آخره
 رحلت بجنون ساز او پیدا شده و او را بیالاولیبوله

برخاسته است . سالارالدوله از پیدا کردن
 یل در پاریس مایوس شده بتوسط آرشاق ارمنی
 ز راه برلن بولی از طهران تحصیل نموده و غلظتاً
 چند روز است از پاریس بگذرن رفته است .
 اعمال او در پاریس اسباب تفرشده مشتت بکلی
 از کشته . من جمله از برکت شکایت هائیکه متصل از
 او میشود معروف بولیس محلی گردیده مشار
 بالبنان است . کنتراتی با چند نفر بی جزیه که آخرین
 فریفته حرفهای بی باخذ او شده بودند بسته . و
 بموجب آن املاک و مادن خیالی نقره آهن فیروزه
 رعیره و غیره خود را گرو گذاشته و نزدیک
 بود بولی تحصیل نماید . و دوکتر جلیل هم که سالارالدوله
 اورا یکی از متمولین ایرانی بقم داده بود این کنترات
 را امضاء نموده و صدق اطهارات سالارالدوله را ضمانت
 کرده بود . و حال آنکه اگر واقعاً این شامزاده
 صاحب مدین هم باشد حق دادن امتیاز بخارجیه
 ندارد . بهر صورت بحیله و تدبیر و بهراهی دوکتر
 جلیل باین ترتیب نزدیک بود کاری از پیش برند
 باشخصان مزبور چنین حالی کرده بودند که در مملکت
 اسلام زن و مرد صغیر شرعاً حق سلطنت ندارد .
 و موافق قوانین اسلامی (مملکت عثمانی را مثل آورده
 بودند) . بعد از محمد علی میرزا چون شامزاده
 شعاع السلطنه تبعه عثمانی شده است حق سلطنت در
 ایران با کبر اولاد مظفرالدین شاه که سالارالدوله است
 می رسد . و بعضی کاندیدا را از مجتهدین ساخته و بآن
 اشخاص نشان داده و گفته بودند که حجج اسلام
 کاندیدا بشامزاده نوشته و اورا دعوت بعتبات کرده اند
 که از آنجا بایران رفته و جلوس نماید .
 ازوجه کنترات چهل هزار فرانک پیشکی قرار بوده
 است شامزاده گرفته و باین بول مشغول بودند . که اولاً
 یکنفر صاحب منصب فرانسوی که از خدمت کنار
 شده و کله اش مثل کله این اشخاص است اجیر نموده
 و اسلحه بتوسط او خریده و حمل محرم نمایند . و
 مشغول به تشکیل یک انجمنی هم بودند که بیول
 سالارالدوله پاره اخبار بی باخذ در بی اعتبار کردن
 حکومت حایه ایران و طرف داران آن در داخله و
 خارجه منتشر نمایند . و خود سالارالدوله هم گفته
 بود : که اول پساونیک می رود در آنجا با صاحب
 منصبان عثمانی گفتگو کند . و از آنجا بعتبات

خروسته . در اوایل نوروز از راه عتبات وارد مخمره
 خواهد شد . و گفته بود که قشون دو پدر زن
 های او در لرستان حاضر و منتظر ورود او هستند .
 و مخصوصاً باشخاص مزبور چنین حالی کرده بودند
 که از صدوچهل نفر وکلای مجلس مقدس ملی طهران
 یکصد نفر هوا خواست سلطنت این شامزاده هستند .
 مختصر اینکه این شامزاده و دوکتر جلیل یک دیگر
 را و با هم جوی را مشتبه نموده و کنترات معادن
 حالیه و آتیه واهی خودشان را بسته و بضانت یک
 دیگر امضاء کرده بودند که بولی بدست آورده
 بلکه دیوانگی های سابق را از سر بگیرند . حتی
 نزد خود نگارنده سالارالدوله می گفت که هیچ نباشد
 اقللاً سلطنت جنوب ایران را می گیرم . بعد از آنکه
 با اقدامات چند نفر از وطن پرستان ایرانی این کار
 بهم خورد . صدای بعضی کارهای دیگر حضرات هم
 بلند شد و گویا علت حرکت غلطی سالارالدوله
 از پاریس همین مسائل باشد

نگارنده خود در قهوه خانه مشغول یاد داشت
 بود . که دید دوکتر جلیل با کمال عجب و تیش قلب
 وارد شده رفت نزد میرزا عبدالحسین معلم فارسی
 نشت و باو گفت که امروز از برای ما عید می
 است بوزیر مختار بگویند اسنادی را که می خواست
 پیدا بکنند خودم پس گرفتم . دیگر بی جبهه بول خرج
 نکنند . (نهمیدم مقصود کدام اسناد بود) . چون
 این اشخاص همچو فهمیده اند که از کاشندگان سفارت
 پاریس بجهت ملی نوشته و برده از اعمال منفدین
 برداشته اند و اینک متصل در علیه سارت این دوکتر
 جلیل کاندیدا برانی می کنند . دیروز هم روزنامه آورده
 در قهوه خانه می خواند و خیلی اظهار رشامت میکرد
 و در این روزنامه بولی داده و نویسانده بود که
 ممتاز السلطنه در عهد استبداد در سارت خود را
 بروی حاجی میرزا موسی خان برادر حکیم الملک بسته
 بود . و حال که مشارالیه موفق شده و برای بیرون
 آوردن گاوله پای خود به پاریس آمده است . این
 دفعه بار خیلی مهربانی کرده و او را از نامداران
 جنگ ملی ایران معرفی می کنند . از سردار اسعد
 وزیر داخله و مخبر السلطنه حاکم آذربایجان و چند نفر
 هم در همان روزنامه که دستش بود از همین منخرقت
 نوشته شده .

پیش حاجی موسی خان برده آنچه این شخص گفته ، عیناً می نویسم ، که اگر غیر از این شد خودشان تکذیب خواهند کرد ، و آت وقت دیگر شا برابرت های اینجانب ابدأ اعتنا نکنید ، حاجی موسی خان از شنیدن این مسئله باندازه متالم و متغیر شد که از جای خود برخاسته گشت ، آخر این چه بی دینی است ، این اشخاص مفسد تا کی باغراض شخصی مطلب را مردم مشتبه خواهند نمود . مگر در حق آقای ممتاز السلطنه بعد از این فداکاریها و جان نثاریها در راه ملت ایران میشود همچون تهمق زدن ، بخدای خود و شرف خود قسم میخورم ، و میتوانید در تمام روزنامهها از قول من بنویساید که من و امثال من تا قیامت متشکر محبت های ممتاز السلطنه هستیم ، این شخص محترم آنچه از برای نجات ایران در خارجه کرده و میکند ، همان است که روزنامه مقدس جبل المتین کلمه نوشته ، « باندازه خدمتی است که ستارخان در داخله بمشروطه کرده است » به پیچاره آقای حاجی موسی خان واقعاً يك حالت حیرت و تالی رو داد و گفت ، آخر این طور است که در وطن ما قحط الرجال شده ، و من شخصاً از این روزنامه نویسی توضیحات خواهم خواست ، در این بین دو نفر از محترمین فرنگی ایران دوست وارد شدند و یکی میر نجف را ساکت کرده و گفتند چرا شما باین چیزها اهمیت میدهید ، مگر این روزنامه ایست که اهمیت داشته باشد ، همین روزنامه هر روز از این قبیل چیزها در حق سلاطین و وزراء و سفرای فرانسه و دول دیگر در فرانسه مینویسد ، و کایتاً رسم نیست که اشخاص محترم باین قبیل روزنامه ها که در پاریس برگ کتشی می نامند اهمیت بدهند و بانها طرف بشوند ، چنانکه چندی قبل در حق سفیر کبیر روس و عیال او مزخرفات نوشت و کسی اعتنا نکرد ، آیت که این هارا بخواند ، مگر نمی بیند که چرا بد بزرگ فرانسه در حق وزیر مختار شا چه می نویسد ، و در تکلیف وزارت امور خارجه باو در عالم سیاسی چه اهمی میدهند ،

چیز خنده دارتر آنکه این چند روزه دو کتر جبل در قهوه خانها میگویند که ناصر الملک هم مستبد شده و با هواس بریشانی که دارد شاخ و برگ باین میدهد ، از حد میگذرد ، عکس دارد که ناصر الملک

با مستبدین یکجا نشسته عکس انداخته است ، نگارنده دیروز بکنفرانز ایرانی های مقنن را پیش او فرستاده و خواست بفهمد که این قهره را از کجا و بجه دلیل در کله خودش جا داده است و اگر عکس دارد نشان بدهد ، جبل خان گفته بود که عکس در طهران است خواهد رسید ،

چون جلوگیری از اعمال و قتل این قبیل اشخاص و متوجه نمودن انبای وطن باین مفسدين خودیکی از وظایف ملی است لذا مراتب را عرض کرد

مکتوب از مراغه

لازم دیدم شرحی از خدمات حاج شجاع الدوله به مشروطیت و یکی عن قاب متفر بود نشانی از استبداد قدیم منحوس بنویسم . قبل از حرکتشان بقره چه داغ ، در مراغه مردم را جمع و شرحی از لزوم معلم خانه نطق نموده يك محوطه به پانصد تومان از خودشان خریده دوست تومان جبهه اساسیه آت نقد مرحمت فرمودند و يك باب معلم خانه بطرز جدید موسوم به (دبستان نو) تاسیس کردند . بعد از حرکتشان از مراغه در اندک زمانی لوازمات دبستان تهیه شده و در ۲۰ دیحجه سنه ۱۳۲۷ در حاتیکه جمعی از معارف و اشراف مدعو بودند (دبستان نو) افتتاح یافته در کمال شوکت و عظمت صرف شیرینی و شربت شده جناب دو کتر مهدی خان مدیر دبستان که شخصی عالم و فاضل است و در فرانسه تحصیل کرده و سایر معلمین نطقهای بلخ دایر ملزوم دبستان و علم و انشاء کردند و در همان روز تنگراف ذیل از سراب رسید جناب سالار منصور حکمران و بهج المالك . از افتتاح دبستان نو نهایت خوشوق و مسرت حاصل ، چند روز بود بواسطه کسالت بحاله از رسیدن این مژده یکی آلام و اسقام رفع گشته و بر مسرت جلی افزوده خدمت جنابان آقایان نظام که در افتتاح آن روز میمون حاضر بوده اند خیلی تبریک می نماید ، و از این مساعدت و زحمت و اندامات مجدانه جناب دو کتر مدیر کمال امتنان حاصل گشته و مریح صحبت قلبی گردیده معلوم است آقایان نظام اهالی مملکت در این افتتاح روز سعید که آبادی ملت ولایت است اقدامات غیورانه و همت مردانه در توانس باین بلی

طوبی بن بجهان اعجاب همگه در این زمستان
تجمل زحمت مستند بنام خواهند داد
(شجاع الدوله)

جناب سالار منصور حکمران مبلغ مذکور را
به اطلاع بنده بجناب مدیر و ناظم معلمین اعلا
فرمودند ، و الآن قریب یکصد نفر از نوابوگان
وین مقدس بعضی بجائی و برخی غیر بجائی در دبستان
تو تحت تعلیم هستند . امید که پس از مراجعت
جناب شجاع الدوله و ازین توجه ایشان سایر نواتس
دبستان نو هم تکمیل شده و اساس صحیح و محکم
خواهد بود .

سواد دستخط مبارک تلگرافی حضرات
(آئین خراسانی و مازندرانی)
(از عقبات بمرآه)

جناب مستطاب اجل امیرالامراء العظام حاجی
شجاع الدوله امیر نویان دامت تائیده ، حسن مراقبت
این چند ماهه جناب اجل عالی در استحکام اساس
مشروطیت و انتظام مملکت و سد ابواب بهانه و
مداخلات اجانب زهی موجب امتنان و الحق بعضی
امور غیر مترقبه را که البته مستند باغذالات بوده
الحمد لله تعالی تدارک نمود ، معلوم است از کمال دین
پرستی و وطن خواهی مثل آن جناب همین قسم مترقب
و مخصوصاً در این موقع خطرناک که اعادی خارجی
برای عدم فوز ملت ایران باین سرمایه سعادت و
عدم تخیل از چنگال شان انقلابات داخلی را بهترین
وسیله دانسته بحریک امثال رحیدخان شتی و پسر
ملعونش و سایر اشقیای بی شرف و غیرت و روس
پرستان وطن فروش همت گماشته اند ، البته بر مثل
جناب اجل عالی و قاطبه امراء و خوانین و رجال
با غیرت و حیت آذربایجان از صاحب منصبان نظامی
و غیره هم واجب است دست اتحاد و برادری بهم داده
این اشقیاء ملعون را دشمن بزرگ دین و وطن
خود شناسند ، قلع و قمع آنها و تخیل دین و وطن
اسلامی از شر ایشان را فریضة ذمت اسلامیت و
ایرانیت خود بمنزله جهاد در رکاب امام زمان
ارواحنا فداء دانند ، بیک اقدام غیورانه این خبیثه
قلع و دشمن خارجی را مایوس و اسلامیت را عزیز
و ملت ایران را سر بلند و ادعیه خیره میداند
خادمان شریت را در تحت قبه منوره ذخیره

سعادت دیا و آخرت خود قربانند انشاء الله تعالی
(محمد کاظم خراسانی)
(عبدالله مازندرانی)

ایضاً صورت توقیع مبارک است
(بجناب حاج شجاع الدوله)
(بسم الله الرحمن الرحیم)

عرض می شود انشاء الله تعالی مساعی جمیله در
حمایت ملت مظلوم متکور و هماره مشغول تائیدات
آلی و الطاف کامله حضرت ولی عصر ارواحنا فداء
بوده امیدوارم اقدامات غیورانه آن ملت خواه
ایران و اهل آن از شر اشرار مستخلص نماید مطلبی
که لازم است محض دوستی زحمت میدهم اینک از
قرار مذکور بعض اشخاص که برای پیشرفت اغراض
شخص خود را بلباس مجاهد در آورده و دست تعدی
و چپاول بر عیت بیچاره دراز و وقوع این مطلب ذو
صورت صدق مودی باضحلال شرف سرکار است
البته هر قسم است جلوگیری فرموده مجاهد واقعی
از مجاهد صوری ممتاز شود و عموم رعیت بکفایت
و غیرت اسلامیت جنابعالی مرفه الحال باشند هماره
شرح حالات را مرقوم فرمائید ، ایام اقبال مستدام باد
چون مجاهدین صوری بانجساء مختلفه از قبیل
مطالبه تنگ و غیره اذیت و آزار مینمایند انشاء الله
تعالی جلوگیری خواهند فرمود زیاده عرض ندارم
والسلام علیکم الاحقر محمد کاظم الخراسانی

مکتوب از کرمان

مامورین جدید در کرمان جداً مشغول کار و
مایه امیدواری اند نصرة السلطان معاون ایالت که
از تربیت شدهگان عصر جدید ومدتی در بهی در
خدمت مرحوم مصباح السلطنه والد خود که
جنرال قونسول بهی بوده تحصیل زبان کرده بعد
از آن نیز ترقیات علمی نموده این اوقات از جانب
دولت معرفی شدند از طلوع آفتاب تا نیمه شب
مشغول ترتیبات کار آنی غفلت ندارد ، کابینه ایالت را
حالا میتوان قابل رسم دانست که از تغییر حکومت
تفسیری در کابینه بهم نرسد تمام جزئی و کلی نوشتجات
با نمره و ثبت و ضبط و باقی است ، نظمیله نیز الحق
با دست خالی نهایت حسن کنایت را بروز داده
امروز میتوانیم بگوئیم نظمیله داریم ، در اندک زمان
عده پلیس و ژاندارم و دفتر و محاسب و محکم

و غیره را با لباس خوب و مواجب کافی مرتب نموده
جداً مشغول کار است

نماینده معارف و اوقاف بواسطه اینکه وزارت
معارف ما هنوز دست بکار نرود، سبب هم معلوم
است، بی پولی است، لذا ایشان نیز از روز ورود
در مجالس و محافل نطق های ماز نموده خفتگان
هرار ساله را بیدار می کنند در مدرسه ملی معلمین
فارسی را به سبک جدید تعلیم میدهد، اهمیت این
کار از عموم کارها زیاده تر و مخارج آن بیشتر است،
مگر افسوس که هنوز مندوبین این شهر حسن
اعمال خیریه را ندارند و میدانند که نتیجه
ثروت نسیم معارف و خرج تعلیم ابناء وض است
که کار خانه های آدم سازی و مدارس جدید
احداث کرده چندین کرور اطفال را آشنای علوم
جدیده نموده تا قیام قیامت ما جور باشند و از
وجود ابناء وطن در دنیا نیز هر ارقسم فایده تحصیل
نموده از احتیاجات خارجه نجات یابند.

از علم این همه معجزات در عالم بروز کرده این
پلهای آهنین، این کشتی های بخار این تلگرافات با سیم
و بی سیم، این راههای آهن، این چراغهای برق، این
صنایع عربیه، این کشتیهای جدید، اینمادان حوایرات
و خلا و نقره، این ادویه حیات، تمام از علم و مدارس
جدید است، اگر اطفال ما صاحب علم شدید، اگر
نزرگان ما که معدودی دخیله چندین ساله خود را
در بانک های خارجه حبس کرده بسود کم قناعت دارند
میتواند در اندک زمان صد مقابل سرمایه خود
دخل ببرند، کسانی که در خارجه پول خود را به
مالکها داده سود میگیرند بجهت این است که دیگر
راه دخل نیست، هدا در مالک آسیا در تک و ناز
افتاده امتیاز می خواهند، مملکت ایران هنوز دست
مخورده است، فقط همه اوپا امروز انتظار مهبت
دارد، همینکه قشون ایران منظم، ایران صاحب
می هرار قشون صحیح و صد هرار قشون ملی
موجود شد، هرار کرور پول دولت خواسته باشد
میدهند - هرار ما صاحبان علم و دولت برای
گرفتن امتیازات جدید حاضرند، از بی علمی و عدم
قوه نسای ما را هیچ نمی شازند، تلگراف ما با اختیار
انگلیس هاست بدون تعیین وقت، هر وقت میخواهند
میگیرند، هر وقت میخواهند دوسه ساعت وامیگذارند،

نگارنده نامت باختر نگاری خارجه نوشت بدارد
لاکن باعث عرض این بیان این شد که برای امر
مهمی که از دولت امر شده بود از کربل با
طهران مخبره حضوری شود مکرر در تلگرافخانه
ایران طرفین که اشخاص محترم بزرگ بودند حاضر
در وسط مطلب سیم را انگلیس ها گرفته مطالب
لا یحل ماند و مدتی طول کشید

در بلوچستان سرحد معظم ایران تلگرافخانه نداریم
سیم نداریم، پستخانه نداریم، هیچ نداریم، کسب بزرگ
اهالی ایلات دزدی و راهزنی شده، شخصی که
یک ملیان دولت و ملک دارد از دادن هرار تومان
خیرات و مخارج تاسیس مدرسه مصایقه دارد، برای
هدان چه سنگ وجه زر، فقرا که ندارند انبیا که
چیزی نمیدهند، پس باید انتظار نکشیم ملائکه آسمان
ادارات ما را راه اندازد، هر حال از وزارت جلیله
تلگراف درحست میشود که جدأ قرار بخسارات
با سیم ایران را داده باشند سیمی که ایران اختیار
اورا داشته باشد چه حاصل دارد همان سیم قدیم
و استوایهای جونی باید راضی شد، لا محاله در شباه
دور شش ساعت معین بجهت محرابات خود اهالی
ایران معین باشد که مطالب فوری مطلق نگردد

در شماره ۲۶ نامه مقدمه در دیل اخبار خراسان

(رسویه کافی بود)

اشاره به بی نظمی امورات آستان مدس رضوی شده
بود و چون این بنده تا یکدرجه مسبوق بحال
هلاک اشغال آن اداره مبارکه هستم، حمله مندرجه
را کافی از برای تغییر اسلوب امدای موقوفه و تبدیل
رئس آن اداره نداستم، لذا بطر بوظیفه اصلاح
حلی خود در سدد نوشتن این سطور بر آمده و
مریبات خود را نکاند آورده برای درج ارسال
داشتم، نویسنده بیفرض لایحه مزبور را فقط هیکل
صوری نایب اتولیه که منتها خود و پسرانش در
سالی روی هم رفته هفتزار تومان باسم مواجب
و غیره بدون استحقاق میبرند حلوه گر شده و از
سایر نایب اتولیه های مضوی که بدرجات تجاوزات
و ادحال غیر مشروع آنان در مال موقوفه زیاده تر
است اعراض نموده، و دستخطهایی را که علاوه بر
مواجب و استمراری سیزده هزار تومان باسم تخفیف

لیلاک بویان و نه هزار تومان بسم کارخانه خدای
 بی چند هزار تومان بسم مکتب ساداه و چراغ برق
 و پاسی مختلفه الصیغ صادر کرده میبرد نمی بندد
 علاوه بر این اگر یکی از آنان را باین وجوهات
 اطفای حرارت حرص و آز شود اسناد و قبایلات
 و تحریف اجاره نجات و بردن اسناد تحویلدار را
 میگذارد (چرا نگذارد، در یکروز چهار زب
 حلاق دادن و کالسه و درشکه گذاشتن خرج دارد)
 با این تفاسیل میتوان گفت که جز دوسه نفر صدر
 طلب سایر اهالی آستانه مایل باصلاح امور آستانه میباشند
 و تا اندازه فهمیده اند که اگر خودشان امورات
 را منظم نکردند سایرین خواهند کرد بدون دخالت
 آنها، و مکرر شنیده و دیده ایم که هر زمان
 رئیس های متدین اصلاح طلب مامورین اداره شده
 اند خیرین آستانه کمال موافقت را با ایشان کرده
 اند از قبیل مرحوم عبدالملک وزیر امور خارجه
 و غیره که باتفاق اهالی آستانه خدمات شایان باین
 آستان کرده اند، و بر عکس هر زمان که آدم طماع
 دسیه کاری رئیس این اداره شده بافته ها را پنبه
 مینمود، مثلا تا سال اول تولیت داماد شاه که
 فروشنده اسناد، داخل در کار نبود کارها سر و
 صورتی داشت و از آن به بعد رو بخرابی و انهدام
 گذاشت، مخصوصاً از زمان تولیت حایه که برای
 جلب یکشاهی نام نیک خدمات جد و بدر خود را
 که باین اساس مقدس کرده بودند برباد داد و گویا
 ملتزم شده است که این دستگاه محترم را با خاک
 یکسان نماید چنانکه شصت هزار تومان آستانه را
 مقروض نموده است که اگر حسانی در کار باشد
 باید بعد از انفصال حسابش را کشیده و شصت
 هزار تومان را از او ماخوذ دارند

عجب این است که با آنهمه خدمات نمایان که
 دراستبداد صغیره بمحمدعلی میرزا کرد يك دو نفر
 از وکلای خراسان را که هم قسم امتحان در
 وطن پرستی داده اند بافضاط بوج یعنی طرفدار
 خود قرار داده است، دروغ گوئی او همین
 اندازه بس است که هنوز دست از بعضی حرکات
 ناشایست که ناشی از استبداد فطری اوست نکشیده
 و هر روز دستخط لقب و منصب و خادمی و غیره
 سایر میباید انشاءالله مدیر شریف روزنامه طوسهم

که تاثر شخصی این شخص است مقام استوایت
 وجدانی خود را در عالم جریده نگاری دانسته و
 مساکشان جز خدمتگذاری بنوع نبوده باشد هرچه
 زودتر بر اولیای امور ایران است که آدم مثنوی
 مامور این صوب فرمایند و صاحب منصب آستانه
 هم بعد از انفصال این شخص مجلس بسم اصلاح نه
 بسم دفتر که حاشی معلوم و صدیقش کاذب باشد
 در کمال بیغرضی در آستانه مقدسه تشکیل داده و
 در کمال درستی و مال بینی مشغول تنظیم کار کردند

حبل المتین

نویسنده محترم چون از معتزین آستانه قدس
 است ما هرگز تصور اغراق و غلو در نگارشاتش
 نمیکنیم، بر ما است که کشف این استار را نموده،
 بر اولیای امور و اعضای دار الشورای کبراست که
 توجه در اصلاح آن فرمایند.

بندر حز

تجاوزات همایه شمالی از سمت (بندر حز) قابل
 توجه اولیای دولت و مبعوثان مات و ذرفداران
 عالم حقوق و اسباب و منصفین دنیا است،
 (هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بکن)
 (گیر و دار و حاجب و درین در این درگاه نیست)
 جذبی قبل در بندر قراسو که در حواری بندر
 حز واقع و مرکز صید ماهی لیانازوف است روسها
 يك نفر احزای گمرک را کتک میزنند.

در تاریخ ۲۲ محرم میوبولش رئیس گمرک با
 معاون خود برای تحقیق مصاب انفایه غیر منتظره
 سوار گرجی شده با برق شیر خورشید که معمول
 است بسم قراشو میروند، بمسافت دوست متری
 قراسو که میرسند يك فروند گرجی جنکی روس
 که دارای توپ و اسلحه بوده در آنجا ایستاده و
 کودراشوف نام هم که یکی از مأمورین روس است
 و در آن گرجی جنکی مأمور است بطرف رئیس
 گمرک فریاد میکند که بیدق را بخوابانید، رئیس
 گمرک جواب میدهد که در خاک ایران هستیم و این
 مرداب مال ایران است، کودراشوف با کالتشدد
 و تغیر و فحاشی دو باره نعره میزند که بیدق را
 بخوابانید، رئیس گمرک محض این که نزاعی نشود
 بیدق را خوابانیده، و در گرجی جلو خود نگاه
 میدارد، بعد از آن کودراشوف با نثار خود حکم